نشریه تخصصی حوزه زنان و خانواده «نساء» / سال اول / شماره اول / قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

نساء

جامعه اسلامی دانشجویان

- واکاوی مسئله زن / ۱
- حضور یا بلوغ سیاسی؟! / ۶
- باری به هر جهت / ۷
- مسائل زنان، مسائل مردان هم هست / ۱۰
- قوانین خانواده باید بروز شود / ۱۶

گفتمان هویت ساز

صاحب امتیاز: اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان
مدیر مسئول: تینا حاج محمدی
سردبیر: معصومه محمدزاده

ویراستار: زهرا سجادی، مهسا قادری
گرافیست: معصومه سربازی زاده

هیئت تحریریه: زهرا مظاهری، شادی خسروی، سعیده باغشاهی، تینا حاج محمدی، مریم مشعشعی، زهرا عیوض، معصومه محمدزاده، لیلا زمانی، فاطمه پورپاپی، نسرین علیوردی‌زاده، سارا محمدی سالاری

فهرست

تحلیلی تبیینی

۱ واکاوی مسئله زن
۳ در گذر تاریخ
۶ حضور یا بلوغ سیاسی
۷ باری به هر جهت

مصاحبه

۱۰ مسائل زنان، مسائل مردان هم هست
۱۶ قوانین خانواده باید بروز شود

اجتماعی

۲۰ تاریخ مستطاب واحد خواهران
۲۱ اوصیکم بالتشکیلات
۲۳ #مطالبه
۲۴ خاک خورده

رسانه فرهنگی

۲۷ کدام فرهنگ؟!
۲۹ وقتی رسانه تکلیفش با زن مشخص نیست!
۳۰ In rell، مستنده؟
۳۳ توئیتر

سخن سردبیر

معصومه محمدزاده
سردبیر نشریه نساء

فقدان تطابق میان عین و ذهن در امری، آن را بدل به مسئله می‌کند. در جوامع امروزی، آن چه عقل سلیم، درباره‌ی زن متصور است، با چیزی که در خارج می‌بینند، سازگار نیست. این امر در جوامعی مثل ایران که صبغه اسلامی نیز دارد، بیشتر به چشم می‌خورد و همین امر، نگاه و نگرش سنتی نسبت به زنان را به چالش می‌کشد.

حقیقت امر این است که دو میراث مختلف نزد مسلمانان وجود دارد:

الف) تعالیم دینی مستقیم

ب) عادات و آداب و رسوم خاص

که هیچ نشانه‌ای از آنها در آثار دینی دیده نمی‌شود. اما در نگاه اول نیز این دو مجزا از هم به نظر نمی‌رسند و این همان نکته‌ای است که بسیاری ازسوء برداشت‌ها نسبت به زنان و سیاستگذاری‌های این حوزه را موجب شده است که در نتیجه‌ی آن، پرسش‌های زیادی در ذهن نسل جوان ایجاد می‌شود. چه جای انکار است که این پرسش‌ها و چالش‌ها، اسباب تغییر نگاه به زن و جایگاه او شده است. در چنین شرایطی اگر مجموعه و تشکلی به این پرسش‌های نو نپردازد، سخت می‌توان آنها را دغدغه‌مند و پویا دانست.

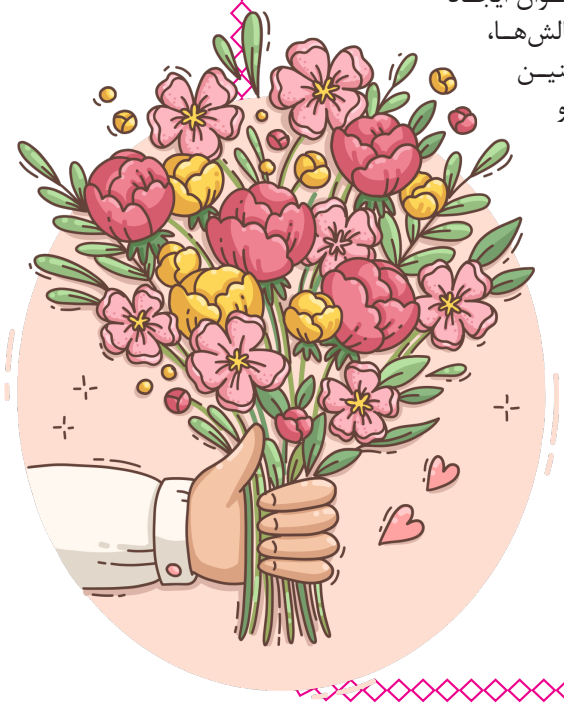

در راستای همین امر، واحد خواهران اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان که در چند سال اخیر به عرصه زنان، ورود پیدا کرده است، نشریه نساء را اولا برای تبیین مسائل زنان در حوزه‌های مختلف و ثانیاً جهت فراهم کردن بستری برای ورود دانشجویان و بیان دغدغه‌های آنان در موارد مربوط راه‌اندازی کرده که در شماره‌های مختلف سعی دارد مسائل روز حوزه زنان و راهکارهای پیشنهادی را بیان کند. در اولین شماره نساء، موضوع محوری هویت و جایگاه زنان از ابعاد مختلف تاریخی، رسانه، سیاسی و... مورد بررسی قرار گرفته است که ان شاءالله مورد توجه و موثر واقع شود.

تحلیلی تبیینی

واکاوی مسئله زنان

زهرا مظاهری
دانشجوی کارشناسی رشته جامعه شناسی دانشگاه بوعلی همدان

چندی پیش به طور اتفاقی مطلبی را خواندم که نوشته بود: مهم‌ترین مسئله‌ی زنان این است که مهم‌ترین مسئله‌ی زنان چیست؟

به درستی که در جامعه‌ی ما در حوزه‌ی زنان بیشتر از فعالین این حوزه مسئله طرح شده است، مسائلی که هرکدام از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، اما مهم‌ترین مسئله نیستند. به حتم در رأس نظام مسائل زنان باید مسائل مهم‌تری وجود داشته باشد که بقیه فرع آن باشند و با هدف قرار دادن و توجه بیشتر به آن بتوان مسیر درستی را در حل یا بهبود اوضاع زنان طی کرد. در سختیِ یافتن مهم‌ترین مسئله، همین بس که بسیار اتفاق می‌افتد ما ناخواسته اندازه‌ی موضوعات را تغییر می‌دهیم و با حذف واقع بینی موضوعاتی را مانند ورزشگاه نرفتن بانوان، اشتغال بانوان، نقش زنان در بازی‌های سیاسی و... آنقدر بزرگ می‌کنیم که گاهی خود زنان فراموش می‌شوند؛ ایده‌آلی را برای زنان ترسیم می‌کنیم که رنگی از زنانگی ندارد. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که استاندارد حوزه‌ی زنان را چه کسی مشخص می‌کند که براساس آن، این موضوعات برای جامعه‌ی ما مسئله می‌شود؟

مسائلی که تاکنون در جامعه‌ی ایران به عنوان مسائل زنان مطرح شده، این موضوع را القا می‌کند که زنان ایران دچار محدودیت شدید هستند به گونه‌ای که از کوچک‌ترین حقوق خود نیز محرومند. البته رسانه‌ها در شکل گیری یک چنین تصوری از زن، نقش اصلی را ایفا می‌کنند. رسانه‌هایی که به جای تعریف درست از زنان و تأثیرگذاری‌شان، موضوعاتی را پمپاژ می‌کنند که نتیجه‌ای جز متشنج‌تر کردن فضا برای زنان ندارد. موضوعات زیادی در این رابطه وجود دارد اما فقدانی که در این میان احساس می‌شود، ترسیم نکردن نقطه‌ی مطلوبی است که زنان باید به آن برسند و به تبع آن یک اولویت بندی حساب شده‌ای هم از الزامات این مسیر وجود ندارد.

مسلم است که نمی‌توان منکر اهمیت موضوعاتی مانند اشتغال زنان، زنان بی‌سرپرست و... در جامعه شد اما باید اندازه‌ی این معضلات تشخیص داده شود و بدانیم تا چه حد باید به آنها بپردازیم؛ اما پیش از هرچیز، زن ایرانی باید درست دیده شده و هویت انسانی او چنانکه باید، به رسمیت شناخته شود. تا زمانی که زن ایرانی در یک کلِ بزرگتر یعنی فرهنگ ایرانی اسلامی، در نظر گرفته نشود وهویتی متناسب با آن برایش تعریف نشود، بسیاری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها حل نخواهد شد. تعریف زن در جامعه‌ی ایرانی به خاطر به هم خوردن اولویت‌ها یا دخالت عرف‌های جامعه دچار اختلال شده؛ این درحالیست که آرمان ما برای جامعه‌ی زنان یک برنامه‌ی متعادل و در جهت توجه به شخصیت زن است. در این دیدگاه، زن نه در حاشیه و بدون نقش در تاریخ‌سازی است و نه موجودیست که جنسیتش بر انسانیتش می‌چربد، بلکه تجمیع زن بودن، عفیف بودن و در متن و مرکز بودن است. دیدگاه‌هایی که در برخی مجامع یافت می‌شود، یا با نهایت افراط

تعریف زن در جامعه‌ی ایرانی به خاطر به هم خوردن اولویت‌ها یا دخالت عرف‌های جامعه دچار اختلال شده

زن نه در حاشیه و بدون نقش در تاریخ‌سازی است و نه موجودیست که جنسیتش بر انسانیتش می‌چربد

زن را برابر با مرد می‌داند که گویا او هیچ وجه تمایزی در مراحل مختلف تعقل، تفکر، عاطفه و توان جسمی و... ندارد، یا با نهایت رذالت زنان را ابزاری برای استفاده‌ی مردها می‌شناسند که چنین دیدگاه‌هایی پایدار نمانده و نمی‌ماند، چون با فطرت انسان و خلقت جهان ناهماهنگ هستند. به طور منطقی زن و مرد در انسانیت شریک‌اند اما در ویژگی‌هایی مانند توان جسمی و روانی و... متفاوت هستند. از نظر تاریخی هم این مطلب مسلم است که زن در دیدگاه غیر اسلامی، حتی در تفکرهای معاصر غرب که به نظر برخی پیشرفته‌ترین نوع تفکرات جهان بشریت در غیر ادیان آسمانی است، به مراتب محروم‌تر و مظلوم‌تر از مرد بوده و هست و شامل محروم نگه داشتن زن از برخی حقوق اجتماعی بلکه تحمیل مسئولیت‌های بیش از توان او است. با یک بررسی اجمالی می‌توان به این نتیجه رسید که دین اسلام و بینش انقلاب اسلامی زنان را از تمام جهات با شرایط و توانمندی جسمی و روحی آنان در نظر گرفته است، پس اگر زنان غربی همواره به دنبال احقاق حقوق ضایع شده‌ی خود باشند، حق دارند؛ چون نه مسیحیت حقوق آنان را تأمین کرده و نه قوانین رسمی و آداب و رسوم غربی. اما چنین زحمتی از دوش زنان مسلمان و زنان جامعه‌ی مبتنی بر اسلام برداشته شده و با چنین امتیازی می‌توان مشکلات موجود زنان ایرانی را به نداشتن آگاهی از هویت حقیقی و انسانی زنان و سوء مدیریت برخی مسئولین و دستگاه‌های اجرایی نسبت داد. بی‌شک زن‌ها مؤثر هستند، نه اینکه اگر بخواهند می‌توانند اثرگذار باشند، بلکه فرهنگ جامعه باید بپذیرد که سهم خانم‌ها در تأثیرگذاری جامعه به نسبت موقعیت و نقش‌شان بیشتر است. در طول تاریخ هم می‌بینیم که ظرفیت پیشرانی همیشه در زن‌ها وجود داشته است.

واقعیت امر این است که زنان چه در ایران و چه در کشورهای دیگر هنوز در مورد حقوق و تکالیف و مسئولیت خود دچار تردید هستند، زنان باید متوجه حقوقی شوند که با خلقت واقعی آنان تناسب دارد. پشت همه محدودیت‌ها و کم کاری‌ها، کم خواستن‌ها بوده، البته کار زیادی هم انجام شده اما هنوز راه نرفته زیاد است. تعداد کمی از مردم به طور جدی در مورد زنان و تجربیات آن‌ها فکر کرده‌اند و تعداد کمی جایگاه و منزلت زنان را در جامعه ما مورد سؤال قرار دادند. مطالعه و تحقیق به دور از تندروی‌های افراطی و دعواهای سیاسی می‌تواند غفلت‌های گذشته را در حوزه‌ی زنان جبران کند و دانش جدیدی را برای سیاست‌های اجتماعی فراهم کند؛ سهم خود بانوان در پیشبرد مسیر تبیین هویت حقیقی زن نیز می‌تواند به صورت حرکت‌های شبکه‌ای و تشکیلاتی در بین زنان ظاهر شود که نیازمند افزایش اطلاعات و مهارت‌های ارتباطی است. الزام وجود پیوست بانوان در طرح‌های اجرایی کشور، آگاهی بخشی به بانوان در خصوص نقش و حقوق زنان و تبیین نگاه تمدن سازی به او، ضروری قرار دادن آموزش مدیران نظام در خصوص شناخت زنان و شیوه‌ی برنامه ریزی مباحث آن، طراحی ضوابط دقیق کارشناسی در خصوص بانوان و ارائه در برنامه ریزی کشور، توجه به نقش مؤثر زنان در پیشبرد صحیح برنامه‌ها در دو عرصه‌ی خانواده و جامعه، و ... از پیشنهادهای دیگر است که می‌تواند در این زمینه کمک کننده باشد.

سهم خود بانوان در پیشبرد مسیر تبیین هویت حقیقی زن نیز می‌تواند به صورت حرکت‌های شبکه‌ای و تشکیلاتی در بین زنان ظاهر شود که نیازمند افزایش اطلاعات و مهارت‌های ارتباطی است.

در گذر تاریخ

زهرا عیوض
دانشجوی کارشناسی رادیولوژی دانشگاه علوم پزشکی اراک

از گذشته‌های دور تا به حال، زنان در عرصه‌های مختلف و زمینه‌های کار و تولید و جهادی، پابه‌پای مردان به کار و تلاش پرداختند و جسارت و فداکاری خود را به نمایش گذاشتند. آنان از همان ابتدا که کارهای خانه و پرورش فرزندان از شاخصه‌های فعالیت یک زن بوده تا دامداری، دامپروری و کشاورزی و... وارد صحنه‌ی زندگی اجتماعی شدند و با پیشرفت جامعه در عرصه‌های مختلف هم خود را با شرایط تطبیق داده و با صلابت و عزمی راسخ، به پیش آمده و هر جا نیاز به ماندن در خانه بوده، ماندن و از ارزش‌های خانه و خانواده و تربیت فرزندان و نقش بارز همسرداری خود را در آزمودن و هر جا نیاز به حمایت از کار و تولید در خارج از منزل برای کمک به خانه و جامعه بوده، در کنار مردان قد علم کرده‌اند و هر جا که جامعه با خطر دشمن و تجاوز به جان مال آنان روبرو شده، در کنار مردان صحنه‌های دلیری و رشادت آفریده اند.
در حوادث تاریخی فراوانی که بر کشور ما گذشت، زنان هم با به میدان آمدن برای ایفای نقش سیاسی و مبارزاتی و راهپیمایی، شعارهایی علیه رژیم های منحوس دوران خود سر دادند. در آن زمان حتی ماندن در خانه هم خود نوعی مبارزه و سرپیچی از فرمان حکام بود که تعجب همگان را به خود جلب نمود؛ از این قبیل حوادث می توان به این سیر تاریخی از دوران قاجار تا به امروز اشاره کرد:

توده‌ی زنان مسلمان، پیش قراول حرکت‌های سیاسی ضد استبدادی و استعماری در این دوره بودند

نقش سیاسی-اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه

مشروطه تنها محصول کار مردان نبود زنان نیز به طرق مختلف در آن شرکت داشتند و توده‌ی زنان مسلمان، پیش قراول حرکت‌های سیاسی ضد استبدادی و استعماری در این دوره بودند؛ در واقع انقلاب

مشروطیت از دیگر عواملی بود که در آوردن زنان به صحنه اجتماع موثر واقع شد. در این دوره به دلیل مشکلات اجتماعی، فقر، کم شدن نان، گرانی و... زنانی که به عنوان گرداننده‌ی چرخ خانه، تحمل کمبودها و احیاناً گرسنگی فرزندان خود را نداشتند، با کوچکترین ندایی به خیابان‌ها ریختند و حق از کف رفته‌ی خود و خانواده‌هایشان را از مسئولین حکومتی طلب کردند. همین زنان نیز از دولت مشروطه حتی در قالب مشارکت مالی حمایت کردند؛ آنان با اهدای زیورآلات خود، مانع گرفته شدن وام از بیگانگان توسط دولت شدند و نقش به‌سزایی در تاسیس بانک ملی ایفا کردند.

در جریان به توپ بستن مجلس نیز زنان از خود جسارت بسیار نشان دادند. در برابر ماجرای اولتیماتوم نیز زنان بیکار ننشستند. در تظاهراتی که توسط انجمن مخدرات وطن در جلوی مجلس برپا شد، هزاران زن چادری در حالیکه کفن سفید بر گردن انداخته بودند، حضور پیدا کردند. آنها به‌ترتیب بر منبر می‌رفتند و با سخنرانی پرشورشان از مشروطیت دفاع می‌کردند و بر استقلال کشور و عدالت اجتماعی تاکید می‌نمودند. البته این مجاهدت ها تنها در تهران نبود؛ بلکه در برخی از شهرها نیز گزارشاتی از رشادت های زنان آورده شده است. علاوه بر آن، زنان بارها در مخالفت با استعمارگران به تحریم کالاهای خارجی روی آوردند و چون بیشتر، زنان مسئول خرید و تعیین کننده نوع مصرف منزل‌اند، تحریم کالا از سوی آنها به منزله کاهش فروش کالاهای خارجی در سطح کشور بود و توانست زیان‌های فراوانی بر کشورهای اجنبی صادرکننده‌ی کالا بگذارد. البته مشارکت زنان در انقلاب مشروطیت بسیار گسترده تر از آن است که در این مختصر بگنجد...

در دوران پهلوی نیز ما همچنان شاهد حضور اجتماعی و سیاسی زنان هستیم:

در زمان رضاشاه، زنان مسلمان به دلیل کشف حجاب، از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی تا حدود زیادی محروم شدند اما با روی کار آمدن محمدرضا شاه پهلوی، آزادی سیاسی اندکی در کشور پدید آمد که یکی از نتایج آن افزایش سهم مشارکت توده زنان بود؛ در این باره می‌توان به قیام‌های ۳۰ تیر ۱۳۳۱، ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، مبارزات فرهنگی، بازگشت به حجاب و... اشاره کرد. تعداد زنانی که بر اثر گرایش‌های دینی و انقلابی در عصر پهلوی به زندان افتادند، کم نیست. آنان در تظاهرات خیابانی، کودکان خردسال خود را به سینه می‌فشردند و بدون ترس از تانک، توپ و مسلسل به میدان مبارزه می‌آمدند. زنان حتی جلسات سیاسی برپا می‌کردند، از این رو نقش زنان در نهضت امام خمینی بسیار ارزنده بود و همانگونه که امام فرمود: «حتی زنان در این نهضت پیش قدم بودند.» در واقع مهمترین دلیل حضور پیوسته و همه جانبه‌ی زنان، به تحولی بر می‌گشت که اندیشه‌های امام در آنان پدید آورد. امام درباره‌ی زنان و فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی، نگرشی جدید عرضه کرد:«زن مظهر تحقق آمال بشر است و از دامان او مرد به معراج می رود؛ از این رو انسان‌ساز است و اگر زنان انسان‌ساز از جامعه گرفته شوند، جامعه با شکست و انحطاط مواجه می‌شود.» نگرش الهی امام باعث شد تا قشر جدیدی از زنان در عرصه‌ی سیاست و اجتماع حضور پیدا کنند و با وفاداری به ارزش‌های مذهبی و الگوبرداری از حضرت فاطمه(س) و حضرت زینب(س) خود را از اجتماع کنار نکشند.

نقش زنان در پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن:

مشارکت در راهپیمایی، بزرگ‌ترین جلوه حضور زن ایرانی مسلمان در مخالفت با رژیم پهلوی بود. زنان به صورت گسترده در تظاهرات خیابانی سال‌های ۵۵-۵۷ مشارکت داشتند که فعالیت آنان شکل‌های متنوع داشت؛ برخی تراکت توزیع می‌کردند، برخی سنگرسازی می‌کردند و حتی برخی به ویژه در واپسین روزهای حیات رژیم پهلوی، اسلحه به دست می گرفتند و به مبارزه می‌پرداختند. زنان علاوه بر حضور مستقیم، در تشویق، تحریک و تشجیع مردان برای پیوستن به روند بیزاری نیز نقش موثری داشتند. امام(ره) :«آمدن شما خانم ها به خیابان‌ها و میدان مبارزه، موجب این شد که مردها هم قدرت پیدا کنند، تقویت بشوند.» زنان در حضور حماسی خود در سال‌های انقلاب به نفی در اندیشه و تفکر پرداختند، اندیشه‌ای که فعالیت سیاسی را برای زنان حرام می‌دانست و عقیده‌ای که زن را زیبا و لوکس می‌پسندید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نوبت به آن رسید که زنان خود را نشان دهند و نقش‌های جدیدی ایفا کنند.

زنان بارها در مخالفت با استعمارگران به تحریم کالاهای خارجی روی آوردند و چون بیشتر، زنان مسئول خرید و تعیین کننده نوع مصرف منزل‌اند، تحریم کالا از سوی آنها به منزله کاهش فروش کالاهای خارجی در سطح کشور بود

زنان در حضور حماسی خود در سال‌های انقلاب به نفی در اندیشه و تفکر پرداختند، اندیشه‌ای که فعالیت سیاسی را برای زنان حرام می‌دانست و عقیده‌ای که زن را زیبا و لوکس می‌پسندید.

نقش زنان در دفاع مقدس

پس از پیروزی انقلاب اسلامی زنان هنوز نیاسوده و خستگی مبارزه طولانی علیه رژیم پهلوی را از تن بیرون نکرده بودند که با شروع جنگ تحمیلی در دفاع مقدس بار دیگر افتخار آفرینی کردند. در دوران جنگ تحمیلی، زنان علاوه بر اینکه با افتخار فرزندان رشید دست‌آموز خود را به میدان حق علیه باطل می‌فرستادند، با نقش اندک خود در صحنه‌ی رزم و نبرد، تاثیر عمیقی بر روحیه رزمندگان گذاشتند. جلوه‌های دیگر همراهی خواهران، همسران، مادرانِ مسلمان ایرانی در این هشت سال دفاع مقدس را باید در تهیهٔ و تدارک اجناس و اقلام مورد نیاز رزمندگان و سربازان دید؛ آنان که با حمایت‌های مادی و معنوی در جبهه‌های جنوب غرب از جان و مال خود مایه گذاشتند و صحنه‌های به یاد ماندنی خلق کردند. و پس از جنگ، این زنان بودند که از بیماران شیمیایی، جانبازان و... پرستاری کردند و یا در انتظار خبری از فرزند و همسر خود سال‌ها به انتظار نشستند. امروزه نیز زنان در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با بالا بردن سطح علم و دانش خود حتی از مردان هم فراتر رفته و با اینکه از مردان چنین نقش‌هایی انتظار می‌رود، زنان هستند که در مجامع گوناگون بین‌الملل صاحب کرسی و جایگاه‌اند و در موضوعات گوناگون علمی-پژوهشی دارای دستاوردهای خاص هستند. در نهایت اینکه با توجه به سخنان امام خمینی(ره) می‌توان دریافت که اسلام می‌داند زن در ساختن جامعه سهم مهم و اساسی دارد؛ از این رو به رشد معنوی زنان تاکید می‌ورزد تا در پرتو این رشد و ارتقاء آنان بتواند سهم خویش را در ساخت اجتماعی ایفا کند. به بیان دیگر زنان متناسب با رشد و ارتقا قادر خواهند شد تا مشاغل و مسئولیت‌های سیاسی-اجتماعی را بر دوش کشند و آن را به سر منزل مقصود رسانند. با گذشت بیش از سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، بخش بزرگی از زنان ایرانی همچنان با حفظ ارزش‌ها و حدود اسلامی در صحنه‌ی اجتماع حاضرند.

با توجه به اینکه به سبب دور شدن از سال‌های نخستین انقلاب اسلامی، فاصله نسل جدید از نسل‌های قدیمی‌تر، تهاجم و شبیخون فرهنگی و...، حضور مطلوب و سازگار با آموزه‌های اسلامی اندکی تحت شعاع قرار گرفته است، یک راه برای جبران و رفع نواقصی که بروز می‌کند، حضور فعال‌تر زنان متشرع و متدین در صحنه است. برای خدمت به جمهوری انقلاب اسلامی، صرف حضور زنان کافی نیست؛ حضور آنان بدون پوشش اسلامی به پاسداری از انقلاب اسلامی مدد نمی‌رساند. برای ترویج و تبلیغ ارزش‌های اسلامی باید نشان داد که حجاب مانع حضور سیاسی-اجتماعی نیست و به علاوه باید مزایای حجاب برای پاس داشت از ارکان خانواده، تربیت اجتماعی و... را بیشتر آشکار ساخت. ضرورت حضور سیاسی-اجتماعی زنان مسلمان زمانی بیشتر نمودار می‌گردد که بدانیم بقای انقلاب اسلامی جز با همکاری و همیاری مردان و زنان این مرز و بوم میسر نیست.

اسلام می‌داند زن در ساختن جامعه سهم مهم و اساسی دارد؛ از این رو به رشد معنوی زنان تاکید می‌ورزد تا در پرتو این رشد و ارتقاء آنان بتواند سهم خویش را در ساخت اجتماعی ایفا کند.

حضور یا بلوغ سیاسی؟

شادی خسروی
دانشجوی کارشناسی آموزش زبان انگلیسی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

در دنیای پر پیچ و تاب سیاسی، در هیاهوی تیترها و حاشیه‌های مختلف از عملکرد و صحبت‌های مسئولین، گاه با این مسئله روبرو هستیم که اصلا چرا باید زنان وارد سیاست شوند؟ مگر وظیفه‌ی اصلی زن مراقبت فضای خانواده و تربیت فرزندان نیست؟ پس چه ارتباطی با حوزه‌ی سیاسی دارد؟ چه نیازی به تحلیل سیاسی است؟ یا حتی گاه در ذهنمان این مسئله ایجاد می‌شود که اگر وارد عرصه‌ی سیاسی شویم، می‌توانند برایمان تبعات داشته باشد! اما در حقیقت ضرورت حضور زنان در چنین حوزه‌ای چیست؟

در ابتدا لازم است ذکر کنیم که وقتی از حضور زنان در عرصه‌ی سیاسی سخن می‌گوییم، هدفمان حضور خانم‌ها در مقام‌های مختلف سیاسی نیست! گرچه آن هم نوعی از حضور است؛ بلکه منظور ما داشتن نوع نگاه سیاسی نسبت به مسائل مختلف و تزریق آن دیدگاه به اعضای خانواده است. اگر زن را رکن اصلی خانواده و فرد اثرگذار بدانیم، بدین جهت که به سبب نقش کلیدی خود می‌تواند بر روی فرزندان، همسر، پدر، برادر و... تاثیر گذارد، پس برای تربیت فرزندانی آرمان‌خواه، ضد فساد و انقلابی نیاز به مادرانی با همین ویژگی‌ها داریم که او را تربیت کنند. حتی ورود مردان به عرصه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی و... حمایت آگاهانه همسران را نیاز دارد. لذا این زن است که با استفاده از قدرت ظرافت، ملاحت و محبت می‌تواند آگاه، مستحکم و قوی با پشتوانه فکری صحیح نسبت به مسائل با بینش عمیق در رویکردها و اتفاقات رخ داده، سمت و سوی خانواده را تغییر دهد و گاهی در جهت تحقق به اهداف باشد. هر جامعه‌ای متشکل از مجموعه‌ای از خانواده‌هاست، پس بدین روش یک زن بر روی کل جامعه اثرگذار خواهد بود. جامعه‌ای آگاه، متعهد و ولایت پذیر می‌شود که بانوانش نیز با بصیرت سیاسی نسبت به مسائل و چالش‌های کشور و جهان، اندیشه ورزی کنند. البته که حضور سیاسی بانوان تنها از طریق اثرگذاری بر خانواده نیست بلکه اگر مبنای ما بر اساس انتخاب افراد شایسته برای جایگاه‌های مختلف باشد، می‌توانند در کنار سایر افراد در صحنه‌های سیاسی حضور داشته باشند و از پتانسیل و توانمندی آنان بهره برد. اما در این میان با دو موضوع اصلی روبرو هستیم که می‌تواند کمی چالش برانگیز باشد. اول چهارچوب‌ها و محدودیت‌های ذهنی دختران و بانوان برای ورود در این عرصه است.

به گونه‌ای که حتی گاهی اوقات در تشکیلات که بستری برای رشد فرد در همه‌ی ابعاد است، دیده می‌شود دختران از ورود به مسائل سیاسی امتناع می‌کنند. دوم نوع نگاه دیگران به زنانی که در این حوزه وارد می‌شوند، به گونه‌ایی است که می‌پندارند آنان یا توان تصمیم گیری درست ندارند یا ورود زنان به عرصه‌ی سیاسی مانع پرداختن درست به خانواده و فرزندان می‌شود. این در حالی است که ما در عرصه‌ی سیاستگذاری، نیاز به زنانی توانمند داریم که با رصد دقیق وضعیت موجود و دغدغه‌های ایجاد شده برای زنان از دیدگاه بانوان به حل مسائل و چاره اندیشی برای آن بپردازند. بدین سبب نیاز داریم که نوعی بازنگری در جایگاه زنان و اثرگذاری آنان در جامعه داشته باشیم به گونه‌ای که از طریق فرهنگ‌سازی صحیح و بروز و ظهور بانوان بتوان موانع پیش رو و طرز فکرهای غلط را از میان برداشت.

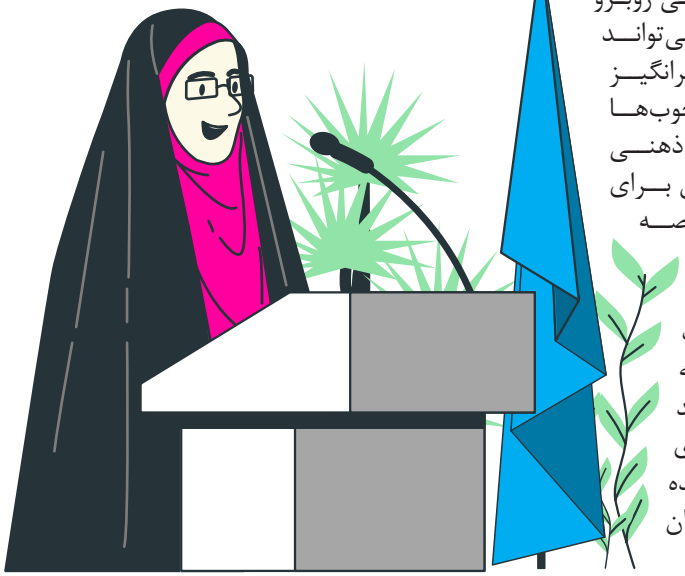

باری به هر جهت

تینا حاج محمدی
دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

برای رشد و پیشرفت در هر زمینه‌ای نیاز به چشم انداز و نقشه‌ی راه است. باید بدانیم کجا قرار داریم و می‌خواهیم به کجا برسیم. وگرنه به بیراهه خواهیم رفت و تلاش هایمان به چیزی جز اتلاف وقت و انرژی منجر نخواهد شد. حال باید پرسید آیا واقعا چنین هدفگذاری برای زنان جامعه‌ی ما وجود دارد؟ چگونه می‌توان انتظار داشت بدون وجود مانیفست مشخص، سیاستگذاری‌ها، قانونگذاری‌ها و فعالیت‌های اجرایی در این عرصه بدون به حاشیه رانده شدن زنان یا با در نظر گرفتن مسائل زنان انجام گیرد؟ در این شرایط است که به دلیل عدم برخورداری از چهارچوب بندی و فقدان گفتمان صحیح به عنوان موضوعی زیر بنایی نمی‌توان فعالیتی موثر با افق دیدی بلند داشته باشیم.

گفتمان مدنظر برای آنکه بتواند تغییری ایجاد کند، باید در برهه زمانی مشخص برای آحاد مردم جامعه فراگیر و اثربخش باشد. گفتمان زن و خانواده، از جمله مواردی است که سال‌ها در رابطه با آن صحبت شده و خلا آن برای همه واضح و آشکار است اما با بررسی وضعیت جامعه شاهد آن هستیم که همچنان مشکلات این حوزه پابرجاست و گامی عملیاتی در جهت احقاق آن برداشته نشده است.

گفتمان زن و خانواده، یعنی صحبت در خصوص مسائل مبتلا به در این زمینه که نوع نگاه شکل‌گیری گفتمان بسته به زمان و نیاز جامعه به مقدمات و پیش زمینه‌هایی احتیاج دارد.

باید ببینیم هدف متعالی ما برای زنان در جامعه چیست و در راستای آن الگوی مناسبی را معرفی کنیم

اولین قدم در این زمینه، تبیین اهمیت موضوع برای قشر نخبگانی و نظریه‌پرداز است که به تصمیم‌سازی و آرمان‌سازی برسند؛ زیرا تا زمانی که آرمان مشترکی نداشته باشیم، به گفتمان مشترک نخواهیم رسید. باید ببینیم هدف متعالی ما برای زنان در جامعه چیست و در راستای

آن الگوی مناسبی را معرفی کنیم. در بحث الگوسازی بارها از الگوی سوم سخن گفته‌ایم، الگویی که فراتر از دیدگاه‌های ارتجاعی سنتی و تجددگرایانه غربی باشد و با توجه و فهم دقیق از ارزش و اثرگذاری زنان در جامعه بر مبنای اسلام و دیدگاه امامین انقلاب به تعریف جدیدی از جایگاه و حضور اجتماعی زنان بپردازد. متاسفانه بعد از گذشت بیش از ۴ دهه از انقلاب و علیرغم تاکیدات رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)، چنین امری میسر نشده است. در بحث الگوسازی باید دقت کرد که نمی‌توان نسخه‌ی واحدی برای تمامی افراد در نظر گرفت؛ چرا که شرایط، امکانات و پتانسیل‌های موجود در اختیار هر شخص با دیگری متفاوت است. به همین جهت باید به تعریف الگویی پویا پرداخت که هر کس متناسب با ظرفیت و شرایطی که در آن قرار گرفته است، خواه در پایتخت و خواه در منطقه‌ای محروم از کشور عزیزمان، بتواند به نسخه‌ای ایده‌آل از خودش دست یابد. البته باید دقت داشت که الگوسازی ما نباید منحصر به کشور ایران باشد بلکه در نظر داشته باشیم که الگوی ما باید هویت والای زن مسلمان را در عرصه‌ی جهانی به نمایش بگذارد و توجه جامعه جهانی را به خود جلب کند؛ به صورتی که رفتاری مطابق با الگوی سوم، برای هر زن غربی و یا شرقی مایه‌ی مباهات و افتخار باشد. اما همانطور که ما در تلاش برای ایجاد یک الگوی نمونه و مطلوب هستیم، دیگران هم در تلاش برای الگوسازی نامطلوب و تبدیل آن به گفتمانی در مقابل گفتمان حوزه زن و خانواده بر مبنای انقلاب اسلامی هستند. با بررسی وضعیت موجود می‌بینیم که گفتمان جریان معاند در مقابل گفتمان انقلاب با شدت بیشتری عمل می‌کند. با این وجود اگر درست به مسائل پرداخته شود و به راهکارها بیاندیشیم می‌توانیم موثر عمل کنیم. یکی از مهم‌ترین اقدامات این است که در ابتدا زنان برای جامعه زنان مطالبه‌گر باشند؛ چرا که تا زمانی که زنان در جهت حل معضلات موجود گامی برندارند، نمی‌توان از ظرفیت‌های کلان اجتماعی آنان بهره گرفت و مسائل زنان در نظام دینی و تفکر اسلامی‌مان را که باید الگوی پایداری باشد، جا انداخت.

از مهم‌ترین اقدامات این است که در ابتدا زنان برای جامعه زنان مطالبه‌گر باشند؛ چرا که تا زمانی که زنان در جهت حل معضلات موجود گامی برندارند، نمی‌توان از ظرفیت‌های کلان اجتماعی آنان بهره گرفت

مصاحبه

گفتگوی نشریه نساء با:
حجت الاسلام و المسلمین محمدرضا کدخدایی
مدیر گروه مطالعات جنسیت و خانواده مؤسسه شناخت

مسائل زنان مسائل مردان هم هست

گردآورنده: سارا محمدی سالاری
دانشجوی کارشناسی رشته حقوق دانشگاه مراغه

۱ـ آقای کدخدایی شما چندین سال است که در حوزه زنان در گروه‌ها و جایگاه‌های مختلف فعال هستید. به عنوان اولین سوال، لطفا بفرمایید مسائل حوزه زنان یعنی چه؟ شامل چه مواردی می‌شود و چالش اصلی ما در حوزه زنان چه مواردی می‌باشد؟ و از دید شما، بهتر است از چه زاویه‌ای به این مسائل نگاه کرد؟

آسیب‌های حوزه‌ی زنان از دو چشم‌انداز بررسی می‌شوند: الف) از چشم‌انداز زنانه نگاه کنیم که عمدتاً فمینیست‌ها یا بعضی از گروه‌های مطالعات زنان از این چشم‌انداز پیروی می‌کنند و قاعدتا یک نگاه زنانه به موضع آسیب‌ها دارند. این مورد فرایند مخصوصی دارد.

اما گاهی نگاه، نگاه متعادل‌تری است. این دیدگاه، یک نگاه فنی و مطالعات جنسیتی است؛ یعنی در این دیدگاه، زنان را در مقایسه با مردان و مردان را در مقایسه با زنان دیدن! یعنی یک نگاه همگن و متعادل داشتن به پدیده‌های اجتماعی از جمله آسیب‌های اجتماعی!

چه بسا از چشم‌انداز دوم، خروجی بحث متفاوت خواهد بود؛ به عنوان مثال وقتی با چشم‌انداز زنانه نگاه می‌کنند، بر روی خشونت علیه زنان، عینک و ذره‌بین می‌گذارند و سپس بررسی و پیمایش می‌کنند.

(همان پیمایشی که در مورد خشونت علیه زنان، در دوران اصلاحات صورت گرفت و به نتایجی مشابه این گزاره رسید: حدود ۷ درصد زنان کل جامعه‌ی ایران، تحت خشونت‌های خانگی هستند.)

در قسمت بعدی، به عنوان مثال از مخاطب می‌پرسند که: «آیا پیش آمده که همسرتان درمورد رفت و آمدهای شما نظارت و پرس‌وجو داشته باشد و شما از این کار راضی نباشید؟» اگر مخاطب بگوید «بله»، این اتفاق را ذیل بحث خشونت اجتماعی ثبت می‌کنند! یا اینکه مثلاً: «آیا پیش آمده که دعوایی بین شما و همسرتان صورت بگیرد و همسر شما در را محکم به هم بکوبد؟ یا تهدید کند که بلایی سر خودش خواهد آورد؟» آری گفتن به این سؤال نیز مساوی است با خشونت عاطفی!

یا: «شده که همسر شما، از سایر بانوان فامیل تعریف و تمجید کرده، شما را با ایشان مقایسه کند و شما از لحاظ عاطفی، احساس بدی داشته باشید؟» این هم یعنی خشونت عاطفی! این یعنی نگاه مطالعات زنانی به یک پدیده! وقتی مطالعات زنان، بخواهد این را همگن کند، مطالعات جنسیتی را آغاز می‌کند. اگر بر اساس همین مؤلفه‌ها از مردان هم سوالاتی بپرسید، چه بسا بسیاری از این خشونت‌ها ذکر شوند. مثلا اگر از یک مرد بپرسید که: «آیا تا به حال همسر شما بعضی از خلأهای اقتصادی شما را به صورت مستقیم و غیرمستقیم سرکوفت زده است؟» بله گفتن به این سؤال، مساوی است با خشونت علیه مردان!

این نگاه، یک نگاه-چه زنانه و چه مردانه- بازنمایی شده است و تنها از یک جهت چالش‌های بنیادین را گزارش می‌دهد. نگاه مطالعات جنسیتی، سعی دارد تعادل نگاه را

برقرار کند. سعی دارد زن و مرد را جای همدیگر بگذارد، از چشم‌انداز هردو به ماجرا نگاه کند و به یک نقطه‌ی تعادل برسد. سپس گزارش کند، خروجی آسیب‌ها را بگیرد و در انتها، پیگیری کند. در صورت لزوم نیز می‌کوشد تدابیری در مورد آن بیندیشد.

مهم‌ترین چالش‌های زنان، مهم‌ترین چالش‌های مردان هم خواهد بود؛ زیرا بر اساس نگاه دینی ما نسبت زن و مرد، نسبت تضاد فمینیستی نیست. بلکه نسبت زن و مرد، نسبت زوجیت است؛ یعنی دو انسانی که نسبت به هم حالت مکملیت دارند. در این دیدگاه، چالش زنان عملا چالش مردان است. اگر چالش یا آسیبی به زنان وارد شود، در واقع آسیب به مردان است و بالعکس. هر کدام از این‌ها تکمیل‌کننده‌ی حیث وجودی، کمالی، اهدافی و ابزاری برای همدیگر هستند و به همین خاطر چالش در وضعیت هر کدام از این‌ها به طرف تکمیل‌کننده‌اش نیز سرایت خواهد کرد.

این نکته مقدمه‌ای بر این سوال است: «مهم‌ترین چالش چیست؟» اگر شما زوجیت را مکملیت متقابل بدانید، باید ببینید نوع مکملیت چگونه است. ما سه نوع زوجیت را می‌توانیم تصویر کنیم: زوجیتی که عموماً نگاه تساوی و تشابه‌انکارانه دارد. زن کاملا شبیه مرد و مرد هم کاملا شبیه زن است. تفاوت‌های جزئی که بین آنهاست اهمیتی ندارد و زوجین مثل دو لنگه فرش می‌مانند؛ مثل دو لنگه فرشی که جفت همدیگر هستند. این دیدگاه تنها بیانگر زوجیت از لحاظ زیباشناختی است! اگر هر دو کنار هم قرار بگیرند، زیبا هستند. اما اگر تنها هم باشند، اشکالی ندارد و کارکرد خودشان را دارند. این یک نگاه تشابه‌انگارانه و تساوی‌انگارانه است که عموماً گروه‌های فمینیستی دوران مدرن و بسیاری از روشنفکران وطنی همین نگاه را پیگیری می‌کنند.

نگاه دیگر این است که بپذیریم این دو در عین شباهت نداشتن، با همدیگر تفاوت‌های قطعی دارند؛ مثل یک ماژیک و درب ماژیک که در هم جفت می‌شوند یا مثل پیچ و مهره!که همدیگر را تکمیل می‌کنند اما هیچ شباهتی هم به یکدیگر ندارند. نوع کارکرد، وجود و اهدافشان هم متفاوت است؛ حتی اگر اهداف نهایی یکسانی داشته باشند.

نگاه سوم، تفاوت‌ها را جدی می‌داند؛ مثل دو لنگه کفش که هیچ کدام جای دیگری را نمی‌توانند بگیرد. نوعی تضاد در ساختار وجودی دارند اما در عین حال به یکدیگر شبیه هستند. زوجیت به معنای همسری هم در این نگاه دخیل است.

در واقع نگاه دینی و خوانشی که از نگاه دینی شده، همان نگاه سوم است. طبق نگاه دین، زن و مرد در عین اینکه شبیه هم هستند، نمی‌توانند جای یکدیگر را هم پرکنند. اگر بخواهند شبیه همدیگر بشوند، کارکردهایشان را هم از دست می‌دهند؛ پس در این دیدگاه، چالش‌ها فقط زنانه نیستند. در واقع مانند دو لنگه کفش که اگر یکی خراب یا گم شود، لنگه کفش دیگر هم کارایی ندارد.

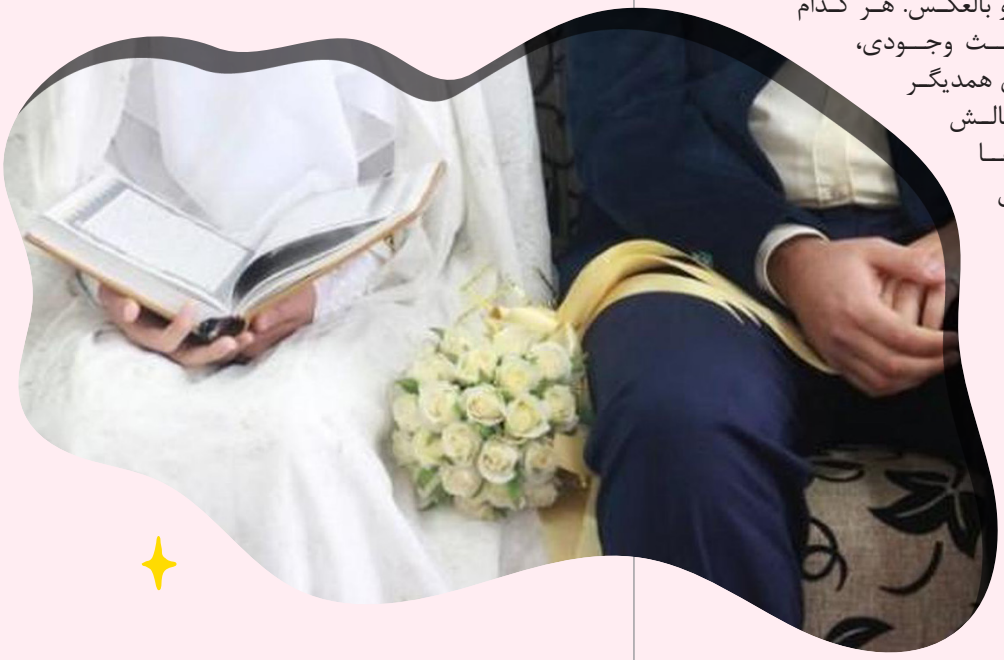

حال اگر بخواهیم نگاه دینی داشته باشیم و آن را با یک نگاه اجتماعی هم تطبیق بدهیم، این را می‌پذیریم که چالش‌های زنان به این معنا، گستره-ی وسیعی از آسیب‌های فردی و خانوادگی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و اگر بخواهیم بنیادی‌ترین عامل مسلط بر همه‌ی چالش‌ها را مطرح کنیم، بحث تشبّه است. تشبّه مردان به زنان و تشبّه زنان به مردان! که عامل بنیادین و آسیب بنیادینی است. باید در مورد این ادعا صحبت شود تا زمینه‌ی پذیرش آن ایجاد گردد.

بنیادی‌ترین چالش فراروی زنان، تشبّه به جنس مخالف است. در اینجا می‌خواهیم به بیان علل، دلایل و مؤیدات این ادعا بپردازیم. پس مسئله‌ی اصلی این است: «به چه دلیل؟ با چه مؤیداتی؟ و با چه عواملی ادعا می‌کنید که تشبّه به جنس مخالف، بنیادی‌ترین عامل آسیب علیه زنان است؟»

اگر مجددا به صحبت‌هایی که قبل عنوان شد، نگاهی بیندازیم، درمی‌یابیم که زوجیت یعنی دو موجود در عین این‌که شبیه همدیگر هستند، تفاوت‌های بسیار مؤثری نیز با همدیگر دارند که این تفاوت‌ها، برای طرف مقابل و برای کل جامعه کارکردهایی دارد.

بحث زوجیت از نگاه دینی، اجتماعی، حکومت دینی و جوامع مسلمان‌ها، دقیقا بر اساس همان زوجیتی که قرآن اشاره کرده می‌باشد: «مکملیت متقابل»
قرآن کریم می‌فرماید: خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالأُنثَى
«الذکر و الانثی» یعنی نر و مادّه. این دو در عین حال که در اصل جنس با همدیگر مشترک‌اند و هر دو انسان‌اند، از لحاظ موارد صنفی با یکدیگر متفاوت‌اند. هردو یک سری ساختارهای طبیعی دارند که خداوند برای یک جهت خاصی، آنها را خلق کرده است. به قول علامه طباطبایی «فطرت بر اساس زوجیت، خلقت بر اساس زوجیت یک اهدافی را دارد، یک کارکردهایی را دارد.
یک زمینه‌هایی در وجود انسان چیده شده که باید آن چهارچوب تفاوت‌های مختلف -چه در تکوین و چه در اقتضائات اجتماعی، حقوقی و احکام- حفظ شود. اگر حفظ نشود، کل این ساختار و ساختارهای دیگری که روی آن بنا شده‌اند، فرو می‌ریزد.
خداوند در قرآن کریم ضمن تاکید بر خلقت انسان‌ها بر اساس زوجیت، بیان می‌کند مهم‌ترین اهداف خلقت -آرامش، سکونت یافتن، مودّت و رحمت- را نیز به این خلقتِ بر اساسِ زوجیت، گره زده است.
دقت کنید که زوجین بر اساس ذکورت با هم متفاوت هستند؛ یعنی این دو موجود، به طور مطلق شبیه همدیگر نیستند. اما در عین حال همسر همدیگرند. آنها حتی در انسانیت نیز کاملا هم‌سو و متشابه‌اند. اما در خصوصیات جنسیتی با یکدیگر متفاوت‌اند.
خداوند در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: وَ مِنْ آياتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْواجاً لِتَسْكُنُوا إِلَيْها وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً
به این مفهوم که این سکونت و آرامش، گم‌شده‌ی همه‌ی انسان‌ها روی کره‌ی زمین و در جهان و در تمام تاریخ است. این سکونت مرهونِ تفاوت‌های زوجیتی است.
در این آیه به دو مورد دیگر نیز اشاره شده است: مودّت و رحمت!
«مودت» رکن اصلی کارآمدی اجتماع است. اگر روابط اجتماع بر اساس مودّت نباشد، در خانواده و اجتماعات کلان‌تر و پیچیده‌تر، سعادت اجتماعی هم حاصل نمی‌شود و متعاقبا در این جوامع، «رحمت» هم که یکی از نعمت‌های الهی است، نفوذ و نزول نمی‌کند.
قرآن کریم در ادامه می‌فرماید: إِنَّ فی ذلِکَ لآیاتٍ لِقَوْمٍ یَتَفَکَّرُونَ
چه بسا یک قوم، دستگاه یا یک رشته‌ای لازم است که روی این نسبت زوجیت زن و مرد، تفکر و تأمل عمیق صورت بگیرد.
در آیه‌ای دیگر آمده است که: یا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْناکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَ أُنْثی وَ جَعَلْناکُمْ شُعُوباً وَ قَبائِلَ لِتَعارَفُوا

یعنی زیربنای همه‌ی نهادهای اجتماعی بر اساس ذکورت و نئوثت خلقت است. درواقع این زن و مرد بودن، زیربنای اصلی همه‌ی هویت‌های اجتماعی، جوامع، قبایل، شعوب و بنیادهای اجتماعی مانند خانواده می‌باشد. اگر این زیربنا، زیربنایی باشد که یکی از مهم‌ترین رکن‌های آن، تفاوت‌های زن و مرد باشد، الگوی خود را در کارکردها، رفتارها، نقش‌ها، پایگاه‌ها، حقوق، مسئولیت‌ها و تکالیفشان حفظ می‌کند.
این، نگاه دینی است. نگاه دینی بحث تشبه به جنس مخالف را که در روایات بسیاری بیان شده و به طرف مقابل و به کل جامعه مربوط می‌شود، مورد بررسی قرار می‌دهد. اساساً یکی از نشانه‌های ثابت آخرالزمان

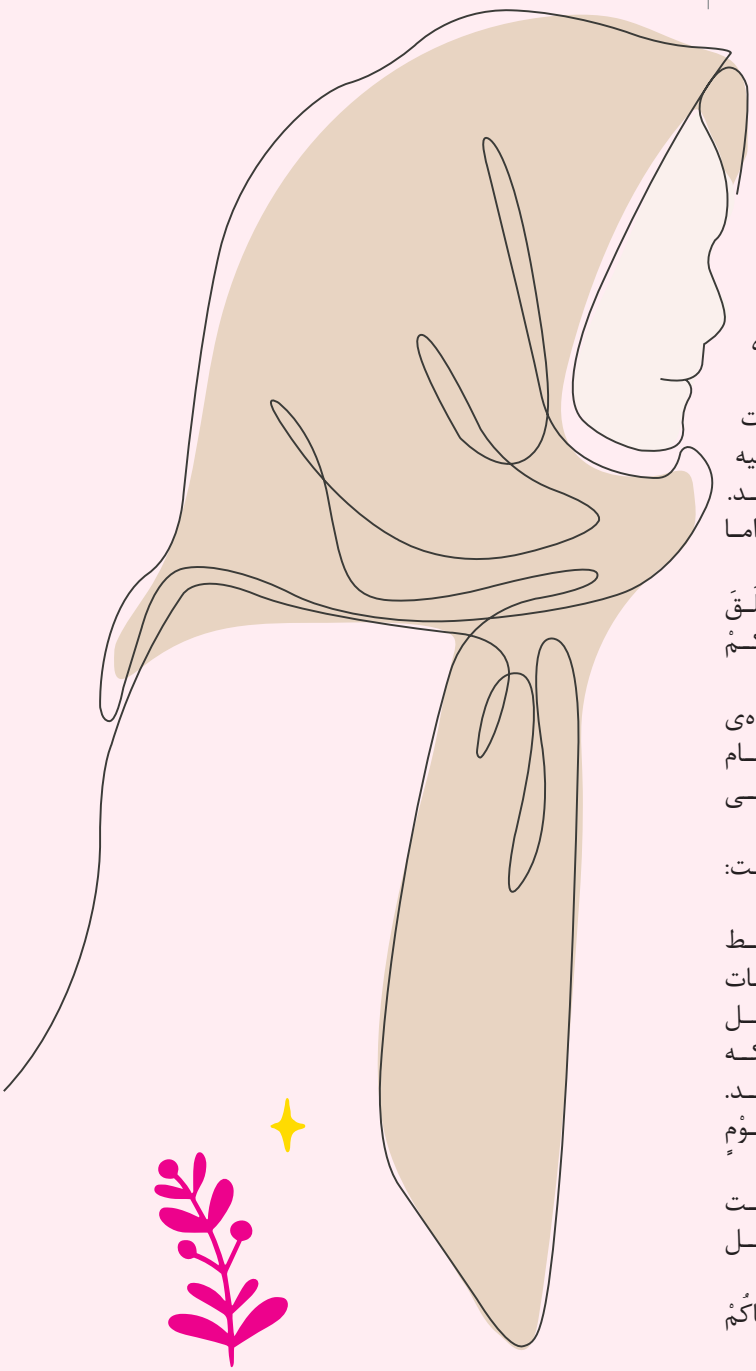

را کـه معـروف تبدیـل بـه منکـر و منکـر تبدیـل بـه معـروف می‌شـود و آسـیب‌های دینـی فزونـی پیـدا می‌کنـد، مـورد بررسـی قـرار می‌دهـد. نشـانه‌های پرشـماری در بحـث آسـیب‌های اجتماعـی آن زمـان گفتـه شـده کـه طبـق آن، یکـی از پایه‌هـای ثابـت آسـیب‌های آخرالزمـان، فراگیـری ظلـم و جـور در همـه‌ی عالـم اسـت. نشـانه‌ی دیگـری کـه بـه طـور ثابـت و مکـرر در روایـات نقـل می‌شـود، همیـن مـوردِ تشـبّه زنـان بـه مـردان و تشـبه مـردان بـه زنـان اسـت. اینکـه مـردان شـبیه زنـان و زنـان هـم شـبیه مـردان شـوند و سـعی کننـد در ظاهـر، رفتارهـا، کلام، نقش‌هـای اجتماعـی، حقـوق و مسئولیت‌هایشـان بـه یکدیگـر شـبیه شـوند. بـه مـرور کارکردهایشـان را نسـبت بـه همدیگـر از دسـت می‌دهنـد کـه در انتهـا نظامـی از ظلم‌هـا، نهادینـه می‌شـود.
یکـی از مؤیـدات علمـی هـم ایـن اسـت کـه بحـث تشـبه بـه جنـس مخالـف، از بنیادی‌تریـن راهبردهـای فمینیسـت‌ها بـرای -بـه قـول خودشـان- احقـاق حقـوق زنـان اسـت. چشـم‌انداز اصلـی فمینیسـت‌ها، خصوصـا فمینیسـت‌های دوران مـدرن، ایـن اسـت کـه حقـوق زنـان بایـد مشـابه حقـوق مـردان باشـد. بـرای دسـتیابی زنـان بـه حقوقـی مشـابه مـردان، بایـد نقش‌هـا و مسـئولیت‌های آنهـا را در جامعـه، مسـاوی و شـبیه مـردان در نظـر بگیریـم. حـال اگـر بخواهیـم نقش‌هـا، منزلت‌هـا، پایگاه‌هـا، نمادهـا و... را مشـابه کنیـم، ناگزیـر هسـتیم سـاختار جسـمانی و تکوینـی زن را نیـز تـا حـد امـکان مشـابه مـردان بیاراییـم.
لازمـه‌ی نـگاه فمینیسـت‌های دوران مـدرن، فروپاشـی نظـام خلقـت بـر اسـاس زوجیتـی می‌باشـد کـه دیـن تصویرکـرده اسـت. ایـن تشـابه کامـل در دیـدگاه فمینیسـت‌ها، آسـیب‌هایی را بـرای کل جامعـه‌ی بشـری بوجـود مـی‌آورد؛ چـه بسـا باعـث فروپاشـی کل جامعـه می‌شـود و جوامـع بشـری را بـه فردگرایـی تبدیـل می‌کنـد. فردگرایـی خـارج از اجتمـاع اسـت و بـه گفتـه‌ی برخـی از منتقـدان فمینیسـت‌ها، بـه زندگـی حیوانـی منجـر می‌شـود.

۲- برای رفع این چالش‌ها، بهتر است شیوه ورود ما به مسائل زنان به چه صورت باشد تا علاوه بر دربرگیری مقتضیات زمان، بتوانیم مسائل اصلی را شناسایی کنیم؟

اولیـن و مهم‌تریـن مرحلـه‌ی ورود بـه مسـئله‌ی زنـان، مسئله‌شناسـی متناسـب بـا زمـان و مـکان اسـت. بـر خـلاف اینکـه عموماً در مسـائل زنـان، بـه جـای تحمیـل مسـائل کشـورهای توسـعه یافتـه یـا نظام‌هـای سـکولار بـه جامعـه‌ی ایرانـی، بایـد برویـم و ببینیـم کـه مسـئله‌ی کـف میـدان چیسـت. چـه بسـا همیـن بحـث خشـونت علیـه زنـان، مسـئله‌ای کـه در تهـران خوزسـتان وجـود دارد، -اگـر خشـونت شـناخته شـوند- خشـونت‌های متفاوتـی باشـند. چـه بسـا اگـر چیـزی را در تهـران مصـداق خشـونت علیـه زنـان می‌دانیـم، بـه سیسـتان و بلوچسـتان تحمیـل کنیـم، نـه تنهـا خشـونت علیـه زنـان حـل نمی‌شـود، بلکـه بـه صـورت پیچیده‌تـری از خشـونت تبدیـل می‌شـود.
پـس مهم‌تریـن بحـث، مسئله‌شناسـی بـا مبانـی علمـی اسـت. مبانـی علمـی مسئله‌شناسـی نمی‌گویـد کـه در مسـئله‌ی سـکولار، مبنا و هدف را مشـخص، در جامعـه‌ی سـکولار غربـی مسئله‌شناسـی کـرده و آن را تبدیـل بـه یـک مسـئله‌ی جامعـه‌ی شـرقی کنید. ایـن، بدتریـن و غیرعلمی‌ترین نوع مسئله‌شناسـی اسـت. اگـر مسـئله را خوب-متناسـب بـا میـدان و مبانـی و اهـداف و اوضـاع و احـوال- بفهمیـم، شـرایط حـل مسـئله هـم متناسـب بـا اقتضائـات زمـان و مـکان چیـده خواهد شـد.

۳- وظیفه حوزه و دانشگاه، برای پاسخگویی به این چالش‌ها و رفع کردن آنها چیست و چگونه می‌توانند همکاری موثری در این زمینه داشته باشند؟

ایـن دو حیطـه‌ی کاری، بـه نسـبت جـدا و در عیـن حـال بـه شـدت نیازمنـد همدیگرنـد. حکومـت دینـی یـک سـری دغدغه‌هـای دینـی دارد و در فهـم مطالـب و مسـائل، ادبیـات دینـی دارد. بـه هـر حـال وقتـی کـه می‌خواهیـم برخـی مسـائل را بشناسـیم و حـل کنیـم، چهارچـوب مفهومـی و نظـری، مدل‌هـا و الگوهایـی کـه آن را قابـل فهـم و بـه سـوال تبدیـل می‌کننـد، بسـیار تأثیرگذارنـد.
ایـن مـوارد در دو حـوزه قابـل تقسـیم‌اند. در اینجـا نقـش دیـن بـه لحـاظ هویـت دینـی جمهـوری اسـلامی ایـران، پررنـگ می‌شـود؛ بـه هـر حـال حکومـت، حکومتـی دینـی اسـت؛ مـردم، متدین‌انـد؛ جامعـه، جامعـه‌ای اسـلامی اسـت یـا حداقـل عقبـه‌ی اسـلامی آن بسـیار پررنـگ اسـت. در عیـن حـال تحـت تاثیـر تحـولات مـدرن هـم قـرار می‌گیـرد.
وظیفـه‌ی دانشـگاه هـم آزمون‌گـذاری، امکان‌سـنجی، اثبـات، ابطـال، انجام‌پذیـری، نظریه‌گـذاری و... نظریـات دینـی و الهـی صـادره از حـوزه می‌باشـد.
همـه‌ی ویژگی‌هـای نظریه‌هـای علمـی، بایـد ناظـر بـر نظریه‌هایـی از دیـن باشـد کـه ارائـه شـده اسـت، بـا آنهـا تطبیـق داشـته باشـد و آنهـا را تکمیـل کنـد تـا نهایتـاً علـم بـا رویکـرد دینـی کـه دغدغـه‌ی اصلـی آن، حـل مشـکل جامعـه‌ی ماسـت، حاصـل شـود؛ پـس لازم اسـت ارتبـاط بسـیار وسـیع‌تری بیـن حـوزه و دانشـگاه برقـرار گـردد. ایـن مـوارد هـم مقتضـی یـک الگـوی قابـل پشـتیبانی اسـت کـه همـان الگـوی اسـلامی اسـت.

۴- زنان -در بخش نخبگانی یا به عنوان بدنه مردمی- چه وظیفه‌ای در قبال این چالش‌ها و مسائل حوزه زنان دارند؟

می توانیم زنان را به دو قسمت تقسیم کنیم: نخبگان حوزوی و دانشگاهی که وظیفه‌ی آنان تمرکز بر مسائلی است که گفته شد. این فرایند، به اهداف مبانی دینی و جامعه‌ی اسلامی حساس است و این دو دسته باید زبان مشترک با هم را پیدا کنند. این زبان مشترک پیدا کردن، نکته‌ی اصلی است که باید در بحث علمی مدنظر قرار بگیرد.

به هر حال مناسبت مسائل زنان و خانواده با زنان بیشتر است؛ چرا که زنان، مسئله را بهتر، عمیق‌تر و ابعادی‌تر می‌فهمند. البته باید مواظب باشند که به حالت بازنمایی تبدیل نشود؛ در این صورت، به ضد خودشان تبدیل خواهد شد. ما اعتقاد داریم در حوزه‌ی مباحث زنان، در عین اینکه زنان رویکردی جنسیتی را در پیش می‌گیرند، نه رویکرد مطالعات زنانی، باید کنشگر اصلی باشند؛ یعنی زن را در مقایسه با مرد و مرد را در مقایسه با زن ببینند تا دچار بازنمایی‌های افراطی نشوند.

در مورد قضیه‌ی بدنی اکثری جامعه می‌توان گفت، زنان به شدت تحت تأثیر تحمیل‌گری حوزه‌ی ایدئولوژی و نظریه‌های علمی غربی هستند. به طور کلی جوامع در حال توسعه و یا توسعه‌نیافته -مثل ایران که هنوز الگوی بومی پیشرفت را شاخص‌گذاری و تدوین نکرده است- عموماً تحت تحمیل نظریه‌های توسعه است؛ نظریه‌های توسعه‌ای که اصولاً لذت‌گرایانه و منفعت‌گرایانه و اصالتاً سکولار می‌باشد.

بدینوسیله ارزش‌هایی را تحمیل می‌کنند که مانع فهم مسائل واقعی است. اولین قشری که مغلوب این تحمیل‌گری به وسیله ی رسانه و ساز و کارهای تبلیغاتی می‌شود، زنان جامعه هستند. زنان، باید نسبت به این موارد اطلاعات عمومی خود را بالا ببرند. در عین حال، جامعه‌ی نخبگانی نیز باید از ابزارهایی برای پیشگیری از این وضعیت استفاده کند.

۵- جنبش دانشجویی به عنوان حلقه میانی باید به چه صورت به این عرصه ورود پیدا کند و مطالبه‌گری هایش را در چه جهتی هدایت کند، بهتر است؟ آیا اصلا به ورود بدنه دانشجویی به این جریان، نیازی هست؟

قاعدتاً شبکه‌های دانشجویی در بخش نخبگانی طبقه‌بندی می شود. این بخش هم دو وظیفه دارد که در مورد دانشجویان مضاعف می‌شود. مهم‌ترین محور آن مطالبه‌گری است. وقتی قرار باشد یک ادبیات جدیدی در جامعه -جامعه‌ای که با ادبیات سکولار مأنوس شده و ادبیات سکولار در ساختار آن نهادینه شده- شکل بگیرد، تغییر آن بسیار زمان‌بر، هزینه‌بر و سنگین خواهد بود.

مطالبه‌گری دانشجویی یکی از شاه‌کلیدهای شکستن این مورد است؛ چرا که دانشجویان، ظرفیت مناسب‌تری برای فهم مسئله دارند. از آنجا که با گذشت چهل سال از انقلاب، هنوز با مسائل شبکه‌مند عمیقی درگیر هستیم و هنوز هم نتوانسته‌ایم آنها را حل کنیم؛ در حالی که فضای علم و خصوصاً فضای دانشگاهی بر این موارد سلطه دارند و در زمینه‌ی حل این مسائل ادعا دارند. در واقع دغدغه‌ی علم هم حل مسائل است.

باید پناه ببریم بر خدا از علم و نهاد علمی که هنوز مشکل ما را حل نکرده است. باید بفهمیم این مشکل ماست. باید بفهمیم در دوران مدرن هستیم، مدعی اصلی فهم و حل مشکل، دانشگاه ها هستند و بعد از چهل سال هنوز نتوانسته‌اند این مورد را حل کنند. وقتی که این را بپذیریم، باید باور کنیم که نمی‌توانیم دین را از فضای علم تجربی جدا کنیم. این فضای دویست‌ساله‌ی مدرن، در دخیل شدن فرهنگ دینی جامعه و دین در ساز و کارها مقاومت می‌کند؛ در حالی که حکومت ما، حکومتِ دینی است. باید این تعارض‌ها را بفهمیم و با آنها کنار

بیاییم و متوجه باشیم که در حوزه و دانشگاه، علم دینی را نمی‌توانیم نادیده بگیریم: نه حوزه می‌تواند دانشگاه را نادیده بگیرد و نه دانشگاه، حوزه را. این مطالبه‌گری‌ها از فضای علم، فضای دانشگاه و فضای نخبگانی -چه مطالبه‌گری ناظر بر فضای دانشگاه باشد و چه ناظر بر کنشگران اصلی حوزه که خورد را از مباحث حل مسئله و فضای اجتماعی منزوی می‌کنند- مهم‌ترین شاه‌کلیدها هستند.

نکته‌ی دیگری که بیانگر نقش پررنگ دانشجویان است، توجه به این نکته می‌باشد که دانشجویان سرمایه‌ی قرض الحسنه‌ی بعدی هستند. سرمایه‌ای هستند که بعدا جانشین همین ساختار می‌شوند. نقش این‌ها از این جهت هم حائز اهمیت است. باید یکی از مهم‌ترین رویکردهای دانشجویان برای حل مسائل حکومت دینی، این باشد که اولا خوب بفهمند و در جایگاه دوم، برای اشغال کرسی‌های دانشگاهی و حوزوی با این رویکرد، سرمایه‌گذاری کنند.

رسالت دیگری که به صورت کوتاه‌مدت تعریف می‌شود، این است که این روشنفکری‌ها را باید هم در بدنه‌ی نخبگانی و هم در بدنه‌ی عمومی جامعه انجام دهند. به هر حال جنبش دانشجویی حد واسط بین جریان نخبگانی و مراتب بالاتر از جایگاه اجتماعی و بدنه‌ی عمومی جامعه است. این وجه ارتباطی یک وجه تأثیرگذار می‌باشد؛ وجهی که تبلیغی و رسانه‌ای است. نقش دوم آنها هم اینجا بروز پیدا می‌کند؛ یعنی کنشگر اصلی هر دو نقشی که قبلا گفته شد (زنان، نخبگان و بدنه‌ی جامعه)، دانشجوها -چه زن چه مرد- هستند. دانشجوها و شبکه‌های دانشجویی هم در مطالبه‌گری و در نقش نخبگانی و هم در بدنه‌ی عمومی جامعه تأثیرگذارند. این دو جهت ایجاب می‌کنند که نقش دانشجوها در جامعه بسیار کلیدی و بدل‌ناپذیر باشد.

گفتگوی نشریه نساء با :
سرکار خانم سکینه سادات پاد
کنشگر فعال حوزه حقوق بشر، حقوق زنان و کودکان

قوانین خانواده باید بروز شود

گردآورنده: نسرین علیوردی زاده
دانشجوی کارشناسی زیست جانوری دانشگاه ارومیه

۱- خانم پاد لطفا ضمن معرفی خود، از تحصیلات و فعالیت هایتان بگویید و توضیح دهید چطور وارد حوزه زنان شدید.

من سکینه سادات پاد هستم، نام مستعارم سارا سادات است و در فضای مجازی مرا به این نام می‌شناسند. وکیل پایه یک دادگستری و دانش پژوه مقطع دکتری حقوق عمومی هستم. قاعدتا کنشگری ام به واسطه حرفه‌ام و رشته‌ام که حقوق است، در زمینه حقوقی است. فعالیت و کنشگری من متمرکز بر حقوق بشر و حقوق زنان و کودکان و با رویکرد تبیین حقوق بشر اسلامی در عرصه بین المللی است، در چند سال اخیر بر تولید ادبیات گفتمانی در این حوزه، متمرکز بودم. مخصوصاً از سال ۹۴ و بعد از نامه های حضرت آقا به جوانان اروپا ،ثقل توجهم شد. با استفاده از ظرفیت حرفه‌ای وکالت برای حمایت از کودکان و زنان آسیب تلاش می کنم و صرفا وکالت خصوصی را دنبال نمی کنم. سعی کردم از این طریق به دو گروهی که هم بیشتر در معرض آسیب هستند و هم مستحق دریافت کمک بیشتر، یاری برسانم. با ستاد حقوق بشر هم همکاری داشته ام. در بحث رهبران جهان اسلام رهبرانی مانند مثل شیخ زکزاکی، شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرین یا بحث میانمار، کشمیر، غزه و داعش در سوریه و یا در خصوص نقض حقوق زنان و کودکان -صرف نظر از مذهب و نژاد و قومیت- و کودکان و زنان ایزدی و کرد عراقی و در حوزه‌های مختلف و... ورود رسانه‌ای و مطالبه گری داشته و دارم. تلاشم این بوده در عرصه بین‌الملل با رویکرد تبیین حقوق بشر اسلامی و دفاع از حقوق مسلمانان از طریق مصاحبه و یادداشت‌های حقوقی و ارتباط با بعضی از گروه‌های مدنی، ان جی او ها در کشورهای دیگر نیز هم افزایی داشته و به تبیین افکار عمومی بپردازیم. تجربه برگزاری شش دوره میزگرد برای بزرگداشت روز حقوق بشر اسلامی که مصادف با ۵ اوت ۱۹۹۹ (۱۳۶۹ هجری شمسی) و روز تصویب اعلامیه اسلامی حقوق بشر(اعلامیه قاهره)داریم، سندی که راهبردی‌ترین سند حقوقی جهان اسلام است، این میزگردهای رسانه‌ای به واسطه کرونا متوقف شد. در زمینه حقوق عامه در مبحث داخلی نیز با گروه‌های مختلف فعالیت‌هایی در جهت احیای حقوق عامه و حقوق شهروندی دارم. رسانه‌ها نوعاً فضایی را ترسیم می‌کنند که تلقی می‌شود موانع زیادی بر سر راه فعالیت زنان در ایران وجود دارد اگر منصفانه به قضیه نگاه کنیم در بعضی از موقعیت‌ها، موانعی به چشم میخورد ، اما مطلق نیست و محدودیت در حد تبلیغات نیست، موانع بیشتر فرهنگی است.

سوال اصلی اینجاست که آیا موانع موجود در حوزه زنان، مربوط به ساختار نظام است یا قوانین و شیوه‌های اجرایی ما؟ در واقع رویکرد انقلاب اسلامی و قبل از جمهوری اسلامی، قانون اساسی ما که برآمده از انقلاب اسلامی هستند به ویژه در مقدمه قانون اساسی هیچگونه مانع و محدودیتی برای

رشد زنان وجود ندارد و در چارچوب اسلام و قانون اساسی مانعی برای فعالیت و رشد زنان وجود ندارد. زن به عنوان یک انسان میتواند راه کمال طی کند. به همین واسطه میگوییم ما برابری را قبول نداریم؛ چرا که معیار و میزان این برابری برگرفته از غرب، مرد می باشد و زن تلاش می‌کند خود را به این معیار برساند. این موضوع به هیچ وجه در نظام حقوقی و نظام فکری اسلام و ساختار نظام ما محلی از اعراب ندارد. برطبق اصول اسلام، زن می‌تواند پل‌های ترقی را حتی مترقی‌تر از مرد هم طی کند و مانعی وجود ندارد. قانون اساسی ضمن احترام گذاشتن به نقش‌های همسری و مادری، برای نقش‌ها و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زن نیز ارزش قائل است؛ بنابراین در قوانین متاخر و عادی که به لحاظ درجه بندی قانونی، پایین‌تر از قانون اساسی است، نیز محدودیتی برای حضور اجتماعی و سیاسی زنان در نظر نمی‌گیرد. بخشی از موانع بر سر راه زنان، موانع فرهنگی است و بخش دیگر آن به تفکر مردانه‌ای (تفسیر مردانه‌ای که از قوانین و ساختارنظام شکل گرفته است) برمی‌گردد که با تفکر حضرت امام(ره) به عنوان معمار انقلاب و حضرت آقا، تناسبی ندارد. این تفکر، مردود است و نسبتی با نظام اسلامی ما ندارد.

۲ـ خانم پاد با توجه به حیطه کاریتان، با قوانین و مقررات حوزه زنان و خانواده آشنایید.چه قوانین و مقرراتی مانع فعالیت درست زنان میشود ـ چه از لحاظ داشتن شغل و چه به لحاظ حضور سیاسی اجتماعی در جامعه ـ و کرامت آنان را متزلزل میکند؟ چه اقداماتی در جهت رفع آنها انجام شده است؟

اگر قوانین را تقسیم بندی کنیم، قوانین مربوط به حضور زنان مربوط به دوره اول قانون گذاری است؛ یعنی خیلی قبل‌تر از انقلاب اسلامی. این قوانین بروزرسانی نشده‌اند؛ به طور مثال در قانون کار هیچ محدودیتی درباره‌ی حضور زنان به لحاظ اشتغال قائل نیستیم چه از لحاظ دستمزد چه از لحاظ سایر شرایط. ایرادی که بنده به این قانون وارد می‌کنم این است که معتقدم عدالت جنسیتی اقتضا می‌کند نگاه ما به مشاغل زن‌ها، متناسب با جنسیت زن یک نگاه تبعیضی باشد؛ مثلا می‌توانیم برای ساعات حضور زنان دارای فرزند در ادارات، شرایط مخصوصی را در نظر بگیریم. ولی در ماده ۱۱۱۷ که جزو قوانین قبل از انقلاب است و در دوره‌ی اول قانونگذاری (بین سال‌های ۱۳۰۷-۱۳۱۰) تصویب شده، مصلحت خانواده را صرفاً به دست مرد می‌سپارد. طبق این قانون اگر مرد به دادگاه مراجعه کند، با اثبات اینکه شغل زن در تعارض با مصلحت خانواده است، می‌تواند مانع اشتغال خانم شود. من معتقدم باتوجه به رشد زنان در بستر نظام اسلامی که مانعی برای اشتغال زنان و تحصیلات آنها قائل نیست، بهتر است تغییر کند. از طرفی ماده ۱۸ گذرنامه در تعارض با نظام سیاستگذاری کلان حقوق زنان است و می‌گوید شما به عنوان یک زن رشد یافته در بستر انقلاب اسلامی که برای تحصیل، شرایطی برابر با مردان داری ولی پس از ورود به زندگی مشترک، حقوق تو توسط مرد محدود می‌شود. برخی فلسفه‌ی این قانون را تعارض مسافرت رفتن زن با حق تمکین مرد می‌دانند ولی آیا یک روز رفتن من به سمینار و... حق تمکین مرد را مورد تعرض قرار می‌دهد؟! بهتر است تفسیرهای قضاییمان را واقع بینانه‌تر و مبتنی بر تغییرات زندگی روز تعیین کنیم. فرض کنید من برای شرکت در یک سمینار علمی لازم است به یکی از دانشگاه‌های شهرهای دیگر مراجعه کنم. اگر با ممانعت همسرم مواجه شوم، کرامت اجتماعی من مورد هتک حرمت قرار می‌گیرد. در این مثال، تعارضی بین نقش‌های من وجود ندارد اما می‌تواند مقدمه‌ی یک بحث و جنجال در خانواده‌ام باشد. مطالبه‌گری در راستای اقدامات انجام شده از مجلس و فراکسیون زنان، برعهده‌ی شماست. به عنوان یک کنشگر اجتماعی و یک حقوقدان، بارها در قالب یادداشت‌های حقوقی این موارد را عنوان کرده‌ام یا در وبینارهایی که با سرکار خانم قاسم پور، رییس فراکسیون زنان داشتیم، مطرح کرده‌ام. من معتقدم باید به سمت قوانینی برویم که در قالب نظام خانواده مطرح بشود؛ یعنی حقوق متقابل زن و مرد. اقدام‌های تک سویه علاوه بر آسیب زدن به نظام خانواده، مانعی بر سر راه فعالیت سیاسی و اجتماعی زنان است. من معتقدم قوانین حوزه خانواده باید به سرعت بروزرسانی شود. این قوانین از مواد شماره ۱۱۰۲ تا مواد ۱۱۷۱ را که مربوط به حضانت فرزندان است، شامل می‌شود. همچنین نیاز است به مباحثی که تعامل مستقیمی با فعالیت زنان داشته و نیاز به

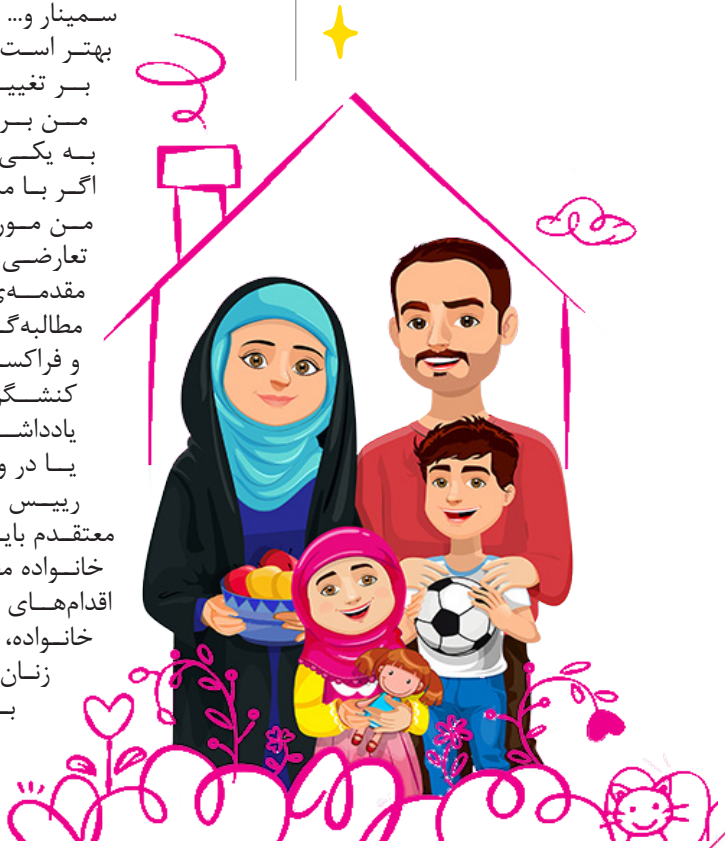

بروز رسانی دارد، ورود پیدا کرد. بهتر است مجلس به جای قانون‌نویسی، به سمت قانونگذاری برود و یک تعامل چند جانبه بین مجلس، قوه مجریه و حتی حوزه علمیه برقرار گردد. به دلیل اینکه مباحث زنان به شدت با مسائل حقوقی و فقه گره خورده، باید ابتدا بعضی از مسائل در قم حل شوند. در این حوزه نباید نقش کنشگران اجتماعی را نادیده بگیریم. به عقیده‌ی من، باید این چهار ضلع در کنار هم، با هم اندیشی و براساس مقتضیات زمان، جلو بروند و قوانین حوزه زنان را بروز رسانی کنند. وقتی قوانین جوانی جمعیت بصورت جداگانه نوشته شود، نمی‌توانیم نقش زن و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی وی را به خوبی بیان کنیم؛ پس قوانینی که در قالب طرح بوده‌اند و به مرحله ی اجرا می‌رسند، دچار چالش‌های اساسی می‌شوند. بهتر است قوانین از طریق قوه مجریه یا قضاییه به مجلس تقدیم شود. در غیر اینصورت شاهد نارضایتی زنان نسبت به قوانین خواهیم بود. احساس تبعیض قوانین بسیار بیشتر از واقعیت موجود است (تعمداً بحث احساس را بیان می‌کنم). چرا که برخی از قوانین در اجرا نیز ناقصند؛ به طور مثال بحث مهریه حق و دینی است که رسمیت قطعی و قانونی دارد ولی در اجرا مطابق با سند پنج ساله ششم توسعه ،زنان برای دریافت مهریه‌ی خود، باید از طریق اداره ثبت اقدام کنند. در این شرایط، مرد بلافاصله تمامی اموالش را منتقل می‌کند و زن مطابق با رای وحدت رویه‌ی دیوان عالی کشور نمی‌تواند دعوی فرار از دین علیه مرد مطرح کند. به نوعی زن این تبعیض را حس می‌کند و به این می‌اندیشد که چرا نتوانسته به حق قانونی خودش برسد؟! پس باید حمایت قانونی متناظر وجود داشته باشد، چرا که این قضایا بر فعالیت اجتماعی خانمی که شاغل نیست اما در اجتماع فعالیت دارد و در زندگی زناشویی خود به مشکل می‌خورد خیلی تاثیر دارد. حتما می‌دانید مهریه در لغت، به مفهوم صداق و هدیه است ولی اگر شما به فلسفه‌ی آن توجه کنید، بعضی از کاستی‌های حقوق زن را نسبت به مرد جبران می‌کند؛ به طور مثال در خصوص توجیه ارث زن، به بحث مهریه استناد می‌کنند اما در عمل هنگامی که یک زن می‌خواهد آن را دریافت کند، دسترسی راحتی ندارد؛ بنابراین، این قوانین و مقررات بصورت مستقیم یا غیر مستقیم مانع فعالیت درست زنان می‌شود.

۳- فرمودید در حوزه بین الملل هم فعالیت دارید و با اسناد بین المللی آشنا هستید. آیا این اسناد قابلیت تطبیق با قوانین ایران را دارند یا خیر؟

بهتر است به جای «تطبیق» از کلمه‌ی «تبعیت» استفاده کنیم؛ زیرا واژه‌ی تطبیق زمانی به کار می‌رود که زمینه‌ها و اصول مشترکی وجود داشته باشد و سعی داشته باشیم مصادیق را با هم منطبق کنیم درحالی که ریشه و زیربنای تنظیم اسناد بین‌المللی متفاوت از نظام اسلامی است البته قطعا نقاط اشتراک ضمن افتراقات مبنایی وجود دارد. اساساً وقتی به لحاظ تاریخی اسناد بین‌المللی را بررسی کنیم متوجه می‌شویم این اسناد به شدت تحت تاثیر جنبش فمنیستها است. جنبش فمنیستها یک جنبش منطقه‌ای است که به طور اختصاصی برای ساختار حاکمیتی-فکری حاکم برغرب به وجود آمد. غرب با نگاهی که به زن دارد، او را به عنوان جنس درجه دوم در نظر می‌گیرد. درواقع این جنبش، علیه این تفکر و برای کسب برابری صورت می‌گیرد که متناسب با موقعیت زنان غرب است؛ لذا نگاه اسناد بین‌المللی، یک نگاه برابری جنسیتی است. درحالی که نگاه ما در حوزه‌ی قوانین اسلامی عدالت جنسیتی است که دو مقوله‌ی جدا هستند. در برابری جنسیتی، مرد را معیار قرار می‌دهند و زن را به سمتی سوق می‌دهند که در یک مبارزه تاریخی به جایگاهی همتای جایگاه مرد برسد. در اسناد بین‌المللی بیشتر برای دستیابی به حقوق بنیادی و اولیه تلاش می‌کنند. اسلام هیچ گونه ممنوعیت و یا تبعیضی در مورد زنان قائل نمی‌شود. به طور مثال اصول لائیسیته فرانسه به اندازه‌ای مورد احترام عموم است که در برابر آن حتی حقوق کودک را نقض می‌کنند. کنوانسیون حقوق کودک به صراحت بیان می‌کند که نباید کودک را از پدر و مادرش جدا کرد. اما در فرانسه برای صیانت از حقوق لائیسیته به والدینی که نماد اسلامی دارند، اجازه نمی‌دهند کودکان خود را در مراکز آموزشی، پرورشی و یا تفریحی همراهی کنند. ما در سیاست کلان اسلام بحث‌هایی مانند حجاب اسلامی و... را به عنوان یک سیاست حمایتگرانه از زن در نظر داریم اما در کشور فرانسه و طبق قوانین آنها، در زمره‌ی نقض حقوق زنان دسته بندی می‌شود. اسلام علاوه بر حقوق مادی، حقوق معنوی بشر را نیز شناسایی و مورد احترام قرار داده است. درحالی که در غرب یک نگاه فیزیولوژیکی صرف وجود دارد و به انسان به چشم جنس مادی نگاه می‌کنند و به مادیت انسان احترام می‌گذارند؛ لذا همین نگاه در حقوق زنان هم به وجود می‌آید.

اجتماعی

تاریخ مستطاب واحد خواهران

چرا واحد خواهران اتحادیه‌ی جامعه اسلامی دانشجویان راه اندازی شد؟

این سؤال اگر چه درشرایط کنونی شاید نامربوط به نظر برسد، چون تا حدی ضرورت این امر جا افتاده است، اما چیزی است، که اوایل، ذهن خیلی‌ها را به خود مشغول کرده بود.

برای پاسخ به این سؤال باید برگردیم به دهه ۷۰؛ یعنی زمانی که جامعه‌ی ایران تازه از جنگ خلاص شده بود و سعی در بازسازی خود داشت. دراین میان، نیاز به نیروهایی حس می‌شد که مبنای درستی داشته باشند و تشکل‌های دانشجویی جایی بودند که می‌شد برای رشد فکری و سیاسی جوانان روی آن حساب کرد .

آن هم نه هرتشکلی؛ حضور پررنگ پسران در تشکل‌های دانشجویی با توجه به جو حاکم برجامعه، امری طبیعی بود اما اینکه فضای مناسبی برای بروز و ظهور خواهران مهیا شود، مسئله‌ی مهمی بود که باید به آن توجه می‌شد. با توجه به اینکه تشکل‌های چپی هم در نتیجه‌ی جریان‌های فمینیستی که تازه در جامعه‌ی ایران رواج پیداکرده بود، روی حضور زنان مانور می‌دادند، اهمیت ماجرا دو چندان می‌شد.

تا اینکه جامعه اسلامی که از سال ۶۸ به طور رسمی فعالیت خود را آغاز کرد و اولین گام را برای تشکیل بخش خواهران برداشت. البته ذکر این نکته لازم است که تا قبل از جامعه اسلامی تنها تشکل منتسب به اصولگرایان که بانوان در آن فعالیت داشتند، جامعه‌ی زینب بود .اما به دلیل غیردانشگاهی بودن، پویایی و تربیت نیروی لازم را نداشت و نمی‌توانست در محیط دانشگاهی بروز و ظهور داشته باشد. عدم ثبات تشکل جامعه از یک طرف و دشواربودن جلب اعتماد خواهران و خانواده‌های آنها و جدا کردن‌شان از اعتقادات فرهنگی حاکم بر جامعه از معضلات اصلی در جذب خواهران برای حضور در تشکل بود.

جهت ترغیب خواهران برای فعالیت، افرادی هم وارد تشکل شدند اما به دلیل اینکه از بدنه‌ی دانشجویی وجاد نبودند، متاسفانه این کار هم به نتیجه نرسید.

فعال شدن دفترها در سطح شهرستان‌ها و تهران، پای برخی از خواهران را به دفتر مرکزی و به تبع آن تصدی مسئولیت بخش خواهران باز کرد. اما فاصله میان خواستن و توانستن چند سال به طول انجامید و در نهایت در سال ۷۴ واحد خواهران اتحادیه جامعه اسلامی دانشجویان شکل گرفت و در سال ۱۳۷۵ که اولین کنگره جامعه اسلامی برگزار شد، ۵ نفر از اعضای شورای مرکزی راه را تشکیل می‌دادند اما اینکه در ادامه روند چه اتفاقاتی برای این واحد افتاد می‌ماند برای شماره بعد...

اوصیکم بالتشکیلات

سعیده باغشاهی
دانشجوی کارشناسی مهندسی نساجی دانشگاه یزد

اگر از آن افرادی باشید که اهل معاشرت و نشست و برخاست با دوستان زیادی هستند، حتما می دانید که کارگروهی کردن تا چه حد لذت‌بخش است، بازدهی فعالیت‌ها را بالا می‌برد و به تحقق اهداف سرعت می‌بخشد. اگر هم از آن دسته از افراد باشید که درون‌گرا هستند و بیشتر به تنهایی کارکردن تمایل دارند، پیشنهاد می‌کنم حتما با حضور در یک جمع دوستانه، کارگروهی را تجربه کنید و خودتان را در مسیر «ما شدن» قرار بدهید.
در این متن، ابتدا قرار است آشنایی کوتاهی با ضرورت کار تشکیلاتی داشته باشیم، سپس به ضرورت حضور بانوان در تشکیلات و تفاوت حضور بانوان و آقایان در این عرصه می‌پردازیم. در ادامه نیز درباره‌ی آسیب‌های حضور بانوان در تشکیلات، چند کلامی صحبت می‌کنیم.
اگر به قول شهید بهشتی، الله وصیت مولا (علی علیه السلام) و « نَظْمَ اَمْرَکُمْ» را به یاد داشته باشیم و در این که تشکل نوعی نظم است تردید نداشته باشیم، در ضرورت اصل تشکل سخنی باقی نمی‌ماند.
وقتی که خداوند در قرآن به ما اینگونه خطاب می‌کند: «قُلْ إِنَّما أَعِظُکُمْ بِواحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلّهِ مَثْنی وَ فُرادی... » از جنس زن یا مرد نامی به میان نمی‌آورد. پس همه‌ی ما با خطاب مستقیم خداوند متعال، موعظه شدیم تا در راه دین خدا به تنهایی و یا با حضور در کنار دیگران -به قول خودمان با حضور در تشکیلات- قیام کنیم.
یا در جای دیگری گفته شده است: « والمُومنونَ والمومناتُ بَعْضُهُمْ اَولیاءُ بَعض یَأمُرونَ بالمَعْروفِ وَ یَنهَونَ عَنِ المُنْکَرْ» یعنی مومنان اعم از زن و مرد در امر به معروف و نهی از منکر در جامعه سهیم‌اند و در این شکی نیست که فعالیت و کارگروهی، تحقق این واجب فراموش شده را تسریع خواهد کرد.
در دین مبین اسلام، در مسیر رسیدن به مراتب معنوی و الهی، هیچ تفاوتی میان زن و مرد وجود ندارد. خداوند متعال، زن و مرد را به گونه‌ای خلق کرده است که از لحاظ قدرت هدایت، یکسان‌اند اما به لحاظ اداره‌ی زندگی و وظایف مختلف، میان زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد؛ دلیل آن هم به تفاوت در خلقت آنها باز می‌گردد.
در کنار این‌ها، این وعده‌ی الهی که از زبان امیرالمومنین(ع) بیان شده است نیز برای زن و مرد یکسان است. «یدالله مع الجماعة» نشان می‌دهد که هرگروهی دور هم جمع شوند، امداد الهی شامل حالشان خواهد بود.
می‌دانیم که نیمی از جامعه‌ی ما را زنان و دختران تشکیل می‌دهند. ظرفیت برخی از این بانوان هنوز برای خودشان ناشناخته است. اگر این ظرفیت شناخته شود و در راه درست به کارگرفته شود، باعث تعالی جامعه‌ی ما خواهد شد؛ چرا که دختران جامعه‌ی ما می‌توانند پدران، برادران، همسران و فرزندانشان را از این ظرفیت بهره‌مند سازند و آن وقت مشخص خواهد شد که گره‌ی چه کارهای بزرگی به دست زنان جامعه‌ی ما قابل حل است؛ همانگونه که در تاریخ، نمونه‌های زیادی از حضور بی‌نظیر زنان در عرصه‌های مختلف و نقش‌آفرینی و تاثیرگذاری ویژه‌ی آنها در تعیین سرنوشت جامعه به چشم می‌خورد.
با این تفاسیر، هم چنان در حوزه‌ی زنان کمبودهای زیادی وجود دارد. برای مثال اگر بخواهد شخص اثرگذاری در زمینه‌های مختلف معرفی شود، تعداد بانوانی که با این خصوصیات در جامعه حضور دارند، خیلی کمتر از آقایان است. پس به نظر می‌رسد حتی بانوان در این زمینه باید کار مضاعفی انجام دهند و قدم بزرگی بردارند؛ چون تکلیفی که به عهده‌ی ایشان است، سنگین‌تر است.
ممکن است این سوال مطرح شود که آیا اساسا وجه تمایزی میان کار تشکیلاتی زنان و مردان وجود دارد؟
برای جواب دادن به این سوال، ابتدا باید تعریف کار تشکیلاتی را مشخص کنیم. تعریف شهید بهشتی از کار تشکیلاتی به این صورت

همه‌ی ما با خطاب مستقیم خداوند متعال، موعظه شدیم تا در راه دین خدا به تنهایی و یا با حضور در کنار دیگران -به قول خودمان با حضور در تشکیلات- قیام کنیم.

ممکن است این سوال مطرح شود که آیا اساسا وجه تمایزی میان کار تشکیلاتی زنان و مردان وجود دارد؟

است:« تشکل یعنی مجموعه‌ای از افراد که بر اساس آرمان و نقطه نظرهای مشترک گرد هم بیایند تا بتوانند زمینه را برای رشد اخلاق کار دسته جمعی و استعدادها، شناخت کادرها، تربیت آنها، تهیه‌ی برنامه‌ها و قبول مسئولیتِ اجرای برنامه‌ها هموارتر کنند.»

با این تعبیر، آرمان و نقطه نظرها در تشکل می‌توانند یکسان باشد اما چون استعدادهای وجودی زنان و مردان متفاوت است، کادرها و نوع تربیت آنها نیز متفاوت خواهد بود. برای مثال، باید نوع فعالیتی که در واحد خواهران یک مجموعه انجام می‌شود، متناسب با استعداد و روحیات زنانه‌ی خواهران آن مجموعه باشد. برای نمونه در چگونگی برقراری ارتباط، چگونگی برخورد و رفتار با خواهران یک مجموعه باید به روحیات ظریف و شکننده‌ی خواهران که اقتضائات وجودی ایشان است، توجه شود.

به نظر وجه تمایز بین فعالیت‌های خواهران و برداران در یک تشکل، سازگاری فعالیت‌ها با روحیه و استعدادهای خدادادی افراد است.

همانطور که تا به اینجا مطرح شد، به علت تفاوت در ویژگی‌ها میان جنس زن و مرد، فعالیت خواهران در تشکیلات، آسیب‌های به خصوصی در مقایسه با فعالیت برادران دارد. زن به تعبیر امام علی(ع) ریحانه است و باید خیلی از این گل مراقبت شود تا آسیب نبیند. ریحانه بودن، اقتضائاتی دارد و باید سعی شود این اقتضائات مورد توجه ویژه قرار بگیرد که همه‌ی این‌ها، برای حفظ کرامت و شخصیت زنان و دختران است. برای آنکه، تنها ویژگی‌های ظاهری آنها در نظر افراد جلوه نکند، باید عقلانیت، استعداد، ظرفیت‌ها و نوع نگاهشان به مسائل مورد توجه قرار بگیرد.

از جمله آسیب‌های فعالیت تشکیلاتی خواهران، ضرباتی است که از اختلاط با نامحرم بر خواهران یک مجموعه مترتب می‌شود. اگر ارتباط خواهران با برادران یک مجموعه بر اساس فقه اسلام و بنا به ضرورت نباشد، روح و روان افراد، مخصوصا خواهران آن مجموعه را به خود مشغول می‌کند و افراد را از کار تشکیلاتی سالم باز می دارد.

یکی دیگر از این آسیب‌ها می تواند مشغول شدن خواهران یک مجموعه به کارهای بعضا مخالف با روحیات‌شان باشد که با ظرافتی که خداوند در وجودشان قرار داده است سازگار نیست. باید دقت شود که چه نوع فعالیت‌هایی در حیطه‌ی خواهران انجام می شود و بررسی شود که آیا این اقدامات با آن روحیه سازگار است یا خیر؟!

درنهایت این نکته نیز حائز اهمیت است که فعالیت تشکیلاتی برای بانوان ضروری است اما باید به مهم‌ترین بعد وجودی بانوان که تربیت فرزند است، نگاه ویژه داشته باشیم. از اصلی‌ترین رسالت‌های بانوان به تعبیر رهبر انقلاب، تربیت بالاترین و والاترین مطاع عالم وجود (انسان) است و نباید حضور بانوان در تشکیلات و یا اشتغال آن‌ها به کاری غیر از این‌ها، موجب کمرنگ شدن اهمیت مسئله‌ی خانه‌داری و تربیت فرزند شود.

در زمینه‌ی مطالبی که مطرح شد، صحبت‌ها و نظرات گسترده است. امیدواریم بتوانیم با درک درست از ضرورت فعالیت تشکیلاتی و اشراف کامل به آسیب‌های آن، خدمتی را انجام دهیم که آثار بی‌نهایت داشته باشد و با فعالیت درست در آن مجموعه، فضای جامعه را برای ظهور امام زمان (عج) آماده کنیم.

از اصلی‌ترین رسالت‌های بانوان به تعبیر رهبر انقلاب، تربیت بالاترین و والاترین مطاع عالم وجود (انسان) است و نباید حضور بانوان در تشکیلات و یا اشتغال آن‌ها به کاری غیر از این‌ها، موجب کمرنگ شدن اهمیت مسئله ی خانه‌داری و تربیت فرزند شود.

مطالبه

ماجرا از آنجا شروع شد که واحد خواهران اتحادیه تصمیم گرفت مسئله محور شود... ورود به عرصه‌ی زنان مثل قدم گذاشتن در میدان مینی است که هنوز بچه‌های اطلاعات عملیات مسیر اصلی و امن آن را تشخیص نداده‌اند و فرد مجبور است تاتی تاتی راه برود که خدای نکرده از این ور در دام فمینیسم نیفتد یا از آن طرف انگ متحجر بودن نخورد. اما این مسئله در مقابل اینکه همه خود را در عرصه زنان صاحب نظر می‌دانند، جنبه‌ی تقریبا کم اهمیت ماجرا به شمار می‌رود. از این رو برای اینکه بتوانیم مسیردرست و روشنی را برای فعالیت واحد خواهران ترسیم کنیم و وقت و انرژی خودمان را برای مسئله‌ی اصلی بگذاریم، نیاز داشتیم به اینکه با افراد صاحب نظر در این حوزه مشورت کنیم و اینجا درست نقطه آغاز سردرگمی بود.

هر کدام از اساتید بزرگوار با توجه به دیدگاه خود و زمینه‌ای که در آن کار کرده یا رساله نوشته بودند یک مسئله و دیدگاه را پیش پایمان گذاشتند وگفتند:«این همان مسئله‌ی اصلی است، آقا این موضوع را سفت بچسب و از هر کس خواستی مطالبه کن»

بعد از کلی سختی متوجه شدیم هر کدام از مواردی که پیشنهاد دادند، هیچکدام به اصل ماجرا نپرداخته و ما را به ناکجا آباد می برد.تا اینکه تصمیم گرفتیم ببینیم نظر ولی جامعه نسبت به زنان چیست؟ آب در کوزه و ما تشنه لبان میگردیم حکایت حال ما پس از بررسی بیانات حضرت آقا در حوزه زنان بود. بنازم به این نگاه جامع و مانع.

چیزی که بیانات ایشان را از سایرین متمایز می‌کند:

۱.تسلط به مبانی اسلامی و علوم حوزوی است که با نگاه درون دینی مسائل را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و همچنین احکام حقیقیه و خارجیه در حوزه‌ی زنان را به درستی تشخیص می‌دهند

۲. آگاهی نسبت به زمان و شرایط حاضر و مسائل حوزه‌های مختلف است که امکان هرگونه افراط و تفریط و یا کار فرعی را به حداقل می‌رساند.

بیانات مقام معظم رهبری ما را به این مسئله رساند که بازنگری هویت زن در خانواده و بازگرداندن ارزش و جایگاه آن به اجتماع شاه کلید حل بسیاری از معضلات در این حوزه است. این شد که تصمیم گرفتیم مسائل اساسی را که اول مانع تشکیل خانواده می شود

و دوم ثبات خانواده را به خطر می‌اندازد، زیر ذره‌بین برده و به صورت جزئی از مسئولین مربوطه مطالبه کنیم و رسیدیم به قضیه زوم در خانواده ...

بازنگری هویت زن در خانواده و بازگرداندن ارزش و جایگاه آن به اجتماع شاه کلید حل بسیاری از معضلات در این حوزه است

خاک خورده

مریم مشعشعی
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزادهمدان

«امروز یکی از مشکلات جامعه‌ی ما، مسئله‌ی اشتغال جوانها و ازدواج جوانها است.»

حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (حفظه الله)

قانون تسهیل ازدواج جوانان

پیوند ازدواج، به عنوان امری در جهت برقراری آرامش و سکون در جامعه همواره مورد توجه جوامع انسانی بوده و قطعا از منظر دین مبین اسلام این پدیده و اتفاق، مقدس و دارای اهمیت و جایگاه ویژه است و نگاه وسیع‌تری نسبت به این مسئله وجود دارد؛ چرا که علاوه بر آرامش دو فرد، سبب ایجاد واحدی به نام «نهاد خانواده» می‌گردد که در این میان برقراری آسایش و امنیت در فضای جامعه، بقای نسل، تامین سلامت و برقراری تعادل در نظام اجتماع را در بر می‌گیرد. البته توجه داشته باشید که این نیاز انسانی باید در زمان مناسب خود اتفاق بیفتد و بسترهای مناسب نیز فراهم باشد تا به نتایج مطلوبی که از آن توقع می‌رود منتج شود. در ایران به تاریخ ۱۳۸۴/۹/۲۷ قانونی مشتمل بر سیزده ماده و چهار تبصره در جلسه‌ی علنی مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۴/۱۰/۷ به تأیید شورای نگهبان رسید. قانونی که قرار بود ازدواج جوانان را که تبدیل به کلاف سردرگمی شده است، با بهبود

شرایط و اوضاع حاکم بر کشور تسهیل نماید. از جهتی ساختار فرهنگی حاکم بر جامعه به طور مرتب از سمت هنجارهای غربی و نوع غلط و نابسامان زندگی غرب توسط فضای مجازی و بمباران اطلاعاتی به شیوه‌ای محسوس و نامحسوس مورد هجمه قرار گرفت. از جهتی نیز این موضوع مهم و حیاتی در اثر برخی ناکارآمدی‌های مسئولین اجرایی کشور، مورد بی‌مهری و غفلت واقع شد؛ از جمله مشکلات و مسائل اقتصادی که می‌توان از آن به عنوان مهم‌ترین و اثرگذارترین اصل نام برد. در اثر رکود و افزایش بیکاری آن هم از جانب جوانانی که نسل زادآور تلقی می‌شوند، امر مقدسی چون ازدواج به افزایش سن ازدواج و خطر انقراض نسل با تداوم کاهش جمعیت منجر گردد؛ آن هم در عصری که جمعیت کشور روند پیری خود را آغاز کرده و باید زادآوری داشته باشد. پُر واضح است همواره قوانینی که توسط مجلس به تصویب می‌رسند، باید توسط نهاد اجرایی کشور به مرحله‌ی اجرا برسند. در قانون، برای برخی دستگاه‌های عمومی وظایفی پیش‌بینی شده است اما متاسفانه به وظایف خود عمل نکرده‌اند. به عنوان نمونه، طبق قانون همه دستگاه‌های دولتی، نهادهای عمومی و شهرداری‌ها موظف هستند فضاهای عمومی را برای برگزاری مراسم ازدواج در اختیار زوجین واجد شرایط قرار دهند که متاسفانه این کار را علیرغم اینکه هیچ هزینه‌ای برایشان ندارد انجام نمی‌دهند و اگر چه قانونگذار تاکید داشته که باید از توانمندی موجود دستگاه‌ها برای تسهیل ازدواج استفاده شود اما نسبت به اجرای قانون بی‌توجهی می‌شود. در مثالی دیگر، دولت به

جای ارائه وام ازدواج که شرایط آن بسیار سخت و پیچیده است و بانک‌ها در مسیر پرداخت آن سنگ‌اندازی کرده و سلیقه‌ای عمل می‌کنند، می‌توان به میزان صد میلیون تومان کالای اساسی ایرانی را با تخفیف به زوجین ارائه کرد که این اقدام حمایت از تولید کالای ایرانی و بهبود وضعیت ازدواج را در پی دارد که متاسفانه به جای حل صورت مسئله، همواره به دنبال پاک کردن آن هستند و قشر جوان سرشار از امید و انگیزه برای زیستن را از بالندگی به عمق مشکلات و سختی‌هایی فرو برده‌اند؛ به جای آنکه بتوانند پس از تشکیل خانواده، پر انرژی و با آرامش چرخ توسعه‌ی کشور را به گردش درآورند، افسرده و ناامید به آینده چشم دوخته‌اند.

نکته‌ی مهمی که در قانون تسهیل ازدواج جوانان وجود دارد این است که طبق این قانون، دولت موظف شده که صندوق اندوخته جوانان را تشکیل دهد و از محل این صندوق به مزدوجین نیازمند برای اجاره مسکن، حسب تشخیص کمیته سامان ازدواج با توجه به امکانات صندوق، وام و ودیعه مسکن پرداخت کند. در عمل این اتفاق نیفتاده و این صندوق هیچگاه تشکیل نشده است. در بخشی از گزارش کمیسیون فرهنگی مجلس درباره اجرای قانون تسهیل ازدواج جوانان آمده است: کمیسیون فرهنگی با بررسی کارشناسی اعلام می‌دارند، هیئت وزیران نهم با تصویب آیین‌نامه صندوق اشتغال، ازدواج و مسکن مهر امام رضا به‌ویژه در ماده ۱ آن که حکم به ادغام صندوق توسعه اشتغال روستایی، صندوق اندوخته ازدواج جوانان و صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی و تاسیس صندوق مهر امام رضا (ع) شده است، سبب انصراف از قانون مصوبه مجلس شده و به تبع آن ماده ۱ و ۲ قانون تسهیل ازدواج جوانان اجرایی نشده و احکام ماده ۱۱ و ۱۲ یعنی تهیه و تصویب آیین‌نامه اجرایی قانون و تهیه گزارش اجرای قانون و تقدیم آن به کمیسیون فرهنگی نیز صورت نپذیرفته است؛ این مسئله در دولت دهم نیز ادامه پیدا کرده و با وجود تغییر رئیس جمهور در دولت‌های یازدهم و دوازدهم کماکان احکام این مواد اجرا نشده‌اند.

ما به عنوان قشر دانشجوی انقلابی از مجلس محترم خواستاریم این مشکلاتی را که در مسیر دولتمردان است، شناسایی کرده و برای اجرای آن مطالبه صورت پذیرد؛ چرا که جوان مومن و متدین ایرانی، شایسته بهترین‌ها است.

به اعتقاد سردار ما، حاج قاسم سلیمانی عزیز، عقل کربلایی در جوانان بیشتر از سالخوردگان است. سردار به جوان میدان می‌داد و میان داری جوانان را در میدان رزم، مشق عرصه های دیگر می‌کرد.

کشور و میهن ایران اسلامی عزیز ما، به حضور جوانانی دلبسته است که عطر حسینی دارند و شور کربلایی؛ آنان را با چشم جان ببینیم. باشد که انقلاب اسلامی ما به برکت وجودشان هر روز بالنده تر از دیروز، مسیر نورانی تا رسیدن به حکومت الهی را طی نماید.

ما به عنوان قشر دانشجوی انقلابی از مجلس محترم خواستاریم این مشکلاتی را که در مسیر دولتمردان است، شناسایی کرده و برای اجرای آن مطالبه صورت پذیرد؛ چرا که جوان مومن و متدین ایرانی، شایسته بهترین‌ها است.

رسانه و فرهنگ

کدام فرهنگ؟!

فاطمه پورپاپی
دانشجوی دانشگاه ملایر

تاریخ همیشه محل تضارب فرهنگ‌هایی بوده که هرکدام با تمام موجودیت‌شان برای اثبات و بقای خویش وارد میدان شدند. در این میان، به زنان به عنوان قشری از جامعه که ابتدا فرهنگ‌ساز بوده و دوم حاملان فرهنگ هستند، نگرش‌های مثبت و منفی وجود داشته است و نقش و جایگاه متفاوتی را برایشان تعریف کردند. فرهنگ ایران نیز از این قاعده جدا نبوده است. جامعه‌ی ایران تا پیش از آشنایی با فرهنگ غرب، بر اساس قواعد سنتی سازمان‌یافته که به عنوان ذخیره‌ی دانش متراکم نیاکان استمرار یافته آن هم به شکل آداب و رسوم و اغلب در آمیخته با باورهای مذهبی، و امری مقدس و باثبات محسوب می‌شد و به عنوان گفتمان مسلط مبنای تعلیم و تربیت عمومی، روابط اجتماعی و ضمانت سلامت جامعه به حساب می‌آمد و در همه‌ی حوزه‌های زندگی فردی و اجتماعی باز تولید می‌شد.

قواعد فرهنگ سنتی درباره‌ی جایگاه و نقش زنان را می‌توان در دو محور اصلی دسته بندی کرد:

الف- زن و وضعیت طبیعی؛ تفاوت‌های موجود میان زن و مرد ارتباط مستقیمی با تعیین حقوق و تکالیف هریک از آن‌ها دارد و محوری‌ترین مبنای تقسیم کار در خانواده است.

ب- زن و اجتماع؛ زن به تناسب ویژگی‌های جسمانی خود برای تربیت فرزند و همسری مناسب بوده و مردان برای کار در بیرون از منزل ساخته شدند.

فرهنگ سنتی با اعتقاداتی مانند: زنان ترسو و احساساتی و... هستند، منجر به پیش داوری‌ها و تبعیض‌هایی علیه زنان شده بود که نمیتوان چشم‌پوشی کرد.

در این برهه‌ی تاریخی با توجه به سرخوردگی زنان جامعه از رویکرد سنتی نسبت به ظرفیت و کاهش آن از یک سو و تلاش حکومت‌های خود باخته برای جلب توجه دولت‌های سرمایه داری از سوی دیگر، زمینه را برای ورود عناصر فرهنگ غربی به کشور فراهم کرد. نگاه فرهنگ غرب نسبت به زنان را اینگونه می‌توان خلاصه کرد: وضعیت نابرابر حضور اجتماعی زنان نه به واسطه‌ی ویژگی‌های طبیعی، بلکه به دلیل ساختار مردسالارانه‌ی جامعه است. عمده‌ترین تأکید فرهنگ غرب، آسان کردن حضور اجتماعی زنان به عنوان علت توسعه و ترقی کشور است بر این اساس حضور زن در خانه ظلمی است نابخشودنی. اندیشه‌های افراطی این فرهنگ در قالب برابری از طریق نشانه رفتن نقش مادری و همسری خطر جدی برای بنیان خانواده محسوب می‌شود. در این میان، وقوع انقلاب اسلامی، مسیری پیش

فرهنگ سنتی با اعتقاداتی مانند: زنان ترسو و احساساتی و... هستند، منجر به پیش داوری‌ها و تبعیض‌هایی علیه زنان شده بود که نمیتوان چشم‌پوشی کرد.

روی زنان گشود که پایگاه و نقش انسان به طور عام و نقش زن به طور خاص را نه بر اساس جنسیت بلکه با استناد به اندیشه‌ی ناب اسلامی تعریف کرد، آن هم مبتنی بر جهان‌بینی توحیدی و با نگرش خاص به انسان به عنوان اشرف مخلوقات. در این رویکرد پیشرفته هم باورهای متحجرانه‌ی سنتی به زنان مردود شمرده شده و هم نگرشی با عنوان برابری که نقش‌های طبیعی زنان را زیر سوال می‌برد، نفی شده است.

غنای فرهنگ اسلامی به مرور باعث از دور خارج شدن بسیاری از عناصر دیدگاه سنتی نسبت به زنان شد. اما در شرایط کنونی فرهنگ ایرانی اسلامی در مقابل فرهنگ غربی قرار گرفته است که به دنبال تغییر این فرهنگ اصیل و تحمیل دیدگاه افراط‌گرایانه‌ی خود به زنان و دختران ایرانی است که این امر از طریق رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و در قالب سبک زندگی غربی منتقل می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت جامعه‌ی کنونی ایران با دو فرهنگ متفاوت روبه روست که بر اساس مبانی خود، هویت متفاوتی را برای افراد تعریف می‌کند که این مسئله نه تنها باعث فرسایش سرمایه‌ی اجتماعی و ایجاد شکاف میان نسلی شده بلکه باعث سردرگمی دختران در شناخت جایگاه و تعریف هویت مستقل شده است. تکاپوی دختران برای دست‌یابی به هویت اصیل قابل انکار نیست، اما مسئله‌ای که در سال‌های اخیر با آن روبرو هستیم، تناقض بین اصول و دیدگاه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی با الگوی وارداتی فرهنگ غرب است که در نتیجه:

۱. عدم نظارت بر رسانه‌ها و فضای مجازی،
۲. آموزش‌هایی به دور از واقعیت اجتماعی،
۳. ضعف در ارائه و معرفی درست فرهنگ اسلامی به نسل جدید، در متن زندگی افراد رسوخ پیدا کرده است. به طور کلی در هر جامعه‌ای وقتی بحث از فرهنگ و هویت می‌شود، نام سه نهاد خانواده، رسانه و آموزش و پرورش به میان می‌آید. در شرایط فعلی به دلیل همسو نبودن این سه نهاد و ناتوانی هرکدام در انجام کار ویژه‌ی خود، شاهد تزلزل هویت و جایگاه دخترانی هستیم که به عنوان عنصر اصلی تمدن سازی اسلامی شناخته می‌شوند. به عبارتی در سایه‌ی تعدد نهادهای فرهنگی و نبود مدیریت واحد و متولی این امر، نوعی تضاد و تعارض در عمل مشاهده می‌شود که سردرگمی قشر جوان تنها یکی از نتایج آن است. به امید روزی که این نهاد در راستای برتری یافتن فرهنگ اسلامی ایرانی، شناسنده هویت اصیل برای زنان هم جهت و هم افزا باشند.

در شرایط کنونی فرهنگ ایرانی اسلامی در مقابل فرهنگ غربی قرار گرفته است که به دنبال تغییر این فرهنگ اصیل و تحمیل دیدگاه افراط‌گرایانه‌ی خود به زنان و دختران ایرانی است که این امر از طریق رسانه‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی و در قالب سبک زندگی غربی منتقل می‌شود.

وقتی رسانه تکلیفش با زن مشخص نیست

معصومه محمدزاده
دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه شهیدمدنی تبریز

امروزه رسانه تبدیل به یکی از ساحت های مهم اجتماعی در زندگی انسان شده است. تغییر بافت اجتماعی از سنتی به مدرن نیز بیش از پیش رسانه را در مرکز توجه قرار داده است. رسانه‌های ارتباطی و سامانه‌های پیام‌رسانی، نمادهایی تولید می‌کنند که این نمادها تصورات پی در پی از واقعیت اجتماعی را شکل داده و در نتیجه روند تغییر اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

سخن گفتن از رابطه‌ی میان رسانه و مسئله‌ی زنان و خانواده از ابعاد مختلف دارای اهمیت و ضرورت است. تصویر زنان در رسانه‌های جمعی و شرکت آن‌ها در تولید پیام‌های فشرده شده از رسانه را نمی‌توان جدا از بافت و گستره‌ی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی بررسی کرد. همین امر باعث می‌شود که در هر جامعه‌ای، جایگاه و تصویری که از زنان در رسانه‌ها بازنمایی می‌شود، منبع اصلی افراد برای بررسی نوع دیدگاه آن جامعه نسبت به زنان باشد. با وجود تغییری که انقلاب اسلامی در هویت و جایگاه زنان ایجاد کرد، رسانه‌ی ملی متأسفانه در سایه‌ی کمبود نمونه‌ی بالادستی که به علت خلأ نظری در این حوزه است، نتوانست الگوی زنی با هویت ایرانی اسلامی را ارائه دهد؛ حال آنکه تمدن غرب بر اساس هدف پنهان خود، یعنی جهانی شدن با استفاده از ابزار رسانه، به دنبال تحمیل سبک زندگی خود بر جوامع مختلف از جمله ایران است.

امروزه ابزار رسانه، عرصه‌ی برخورد این دو تمدن شده است. زمانی که بخواهیم با حوزه‌های تمدنی برخورد کنیم، به ناچار باید با ادبیات همان حوزه با آن مواجه شویم. وقتی دو حوزه‌ی تمدنی برهمکنش دارند و می‌خواهند یکدیگر را تحت تأثیر قرار دهند، باید از ادبیات و مفاهیم مشترک بهره بگیرند. هر حوزه‌ی تمدنی با فرهنگ خود، فرهنگ تمدن دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرهنگ‌ها شیرازه‌ای دارند که برای از هم پاشیدن آن باید نقطه‌های کلیدی را مورد هدف قرار داد. خانواده در فرهنگ ایرانی اسلامی، کلیدی‌ترین نقطه و کوچک‌ترین نهادی است که قابلیت دارد الگوی اجتماع باشد و با تمام توان خود برای حفظ آن می‌کوشد. کاری که غرب می‌کند دقیقا همان متلاشی کردن کیان خانواده است. اشتباه استراتژیکی که ما در بازنمایی رسانه‌ای زن مرتکب شدیم، پرداختن به زن به صورت منفرد است؛ چیزی که در مقابل دید مخاطبان قرار داده می‌شود، نوعی دوگانگی است که یا باید خانواده را انتخاب کند یا حضور اجتماعی را. در حالی که خانواده تنها بستر برای رشد و هویت یابی زنان است که در نهایت هم مهم‌ترین نقش او یعنی مادری و فرزندآوری در خانواده تعریف می‌شود. به عبارت دیگر خانواده، سلول اصلی حیات و حرکت جامعه‌ی اسلامی ایران با محوریت زنان به سمت تمدن اسلامی است و این دقیقا همان نقطه‌ای است که غرب سعی دارد با تولید محتوای رسانه‌ای آن را متلاشی کند. آن‌ها به طور خاص زن را مورد هدف قرار نمی‌دهند، بلکه کانون خانواده را نشانه رفتند که در آن زن مانند نخ تسبیح عمل می‌کند و بار اصلی حفظ خانواده بردوش اوست. بررسی محتوای سینمای غرب نشان می‌دهد که غرب، الگوی خانوادگی خود را مماس با الگوی ایرانی اسلامی قرار داده است و می‌توانیم از رهگذر همین مسئله در سال‌های گذشته شاهد تغییرات عمده در ساختار خانواده‌های ایرانی و تغییر نگاه زنان نسبت به مسائل باشیم؛ به گونه‌ای که

۱) خانواده به تدریج ارزش معنوی خود را از دست داده است.

۲) ارتباط بین اعضا، پیوند شکننده قانونی است که خود محل آسیب است.

لازم است نوعی بازنگری و تحولی در عرصه‌ی محتوای رسانه‌ها با توجه به الگوی ایرانی اسلامی اصیل داشته باشیم چرا که رسانه، قوی‌ترین ابزار برای طرح و رواج اندیشه‌هاست و کارآمدترین وسیله برای نفوذ فرهنگ‌ها و نگرش‌ها به قلب جوامع و مخاطبین حساب می‌شود؛ به عبارتی، منبع قشر جوان به خصوص بانوان در حوزه‌های مختلف است و از طرفی چون زنان محور و زیربنای فرهنگ هستند، به طوری که هرگونه تغییر در ذائقه آن‌ها، به تبع جایگاه اثرگذارشان، منجر به تغییر در ذائقه توده مردم می‌شود.

In rell، مستنده؟

لیلا زمانی
دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه حکیم سبزواری

+غذا خوردی؟
+اینجا باید غذا پیدا کنی؟
+بریم رستوران و یک غذای خوب سفارش بده!

اینها تنها بخشی از دیالوگ‌های هاشم بافقی است که در تمام طول مستندی به نام «این رل» تکرار می‌شد. مستندی که بیشتر به فیلم شباهت داشت تا روایتی واقعی از بطن جامعه! شاید این روزها، شما هم نام «این رل» را شنیده باشید یا به سبب جنجالی که به پا کرده است، به فکر تماشای آن افتاده باشید. در این مقاله می‌خواهیم به تحلیل و بررسی این مستند بپردازیم.

این رل، روایت پسری به نام امیرحسین است که پس از قطع ارتباط دوستی با دختری که به او علاقه داشته است، به دنبال همسر، رل یا صرفا یک جنس مونث می‌گردد. عنوان نکردن یک کلمه معین برای نام بردن از فردی که امیرحسین به دنبال اوست، دقیقا به اولین نقد ما به مستند برمی‌گردد؛ نقدی عمیق که از ابتدا تا انتهای مستند جاری است. امیرحسین حتی خودش هم نمی‌داند که چه می‌خواهد! گاهی به دنبال همسر است، گاهی به دنبال دوست. یک جا از علاقه صحبت می‌کند و جای دیگر در تلاش است تا نیاز جنسی‌اش را رفع کند. در این میان، عوامل مستندساز هم به جای کمک به امیرحسین و ارجاع دادن او به روانشناس یا مشاور، در تلاش هستند تا به طرق مختلف راهکارهایی را پیش روی امیرحسین بگذارند که حتی اگر به نتیجه هم برسد، سرانجام مطلوبی نخواهد داشت. یکی از این راهکارها، سرکوب یا بی‌توجهی به نیاز جنسی است که با توصیه‌ی کارهایی مثل تهجد، روزه‌داری، دوش آب سرد، ورزش،... سعی در تحقق آن داشتند. حال آنکه اگر قرار به سرکوب نیاز بود، خداوند هیچگاه آن را در خلقت بشر قرار نمی‌داد که اینگونه مایه دردسر شود. بلکه با ایجاد این نیاز، راهکار درست آن را هم پیش روی انسان گذاشته است تا با تشکیل خانواده، در کنار تحقق تمام اهداف والای ازدواج، نیاز جنسی هم رفع شود.

نکته مهم دیگر که باید در اینجا مطرح شود و مختصرا در ابتدا به آن اشاره کردم، کلیت روایت است که تا حد بالایی با واقعیات جامعه فاصله دارد و بیش از آنکه به تصویر کشیدن دغدغه و یک معضل اجتماعی در قشر

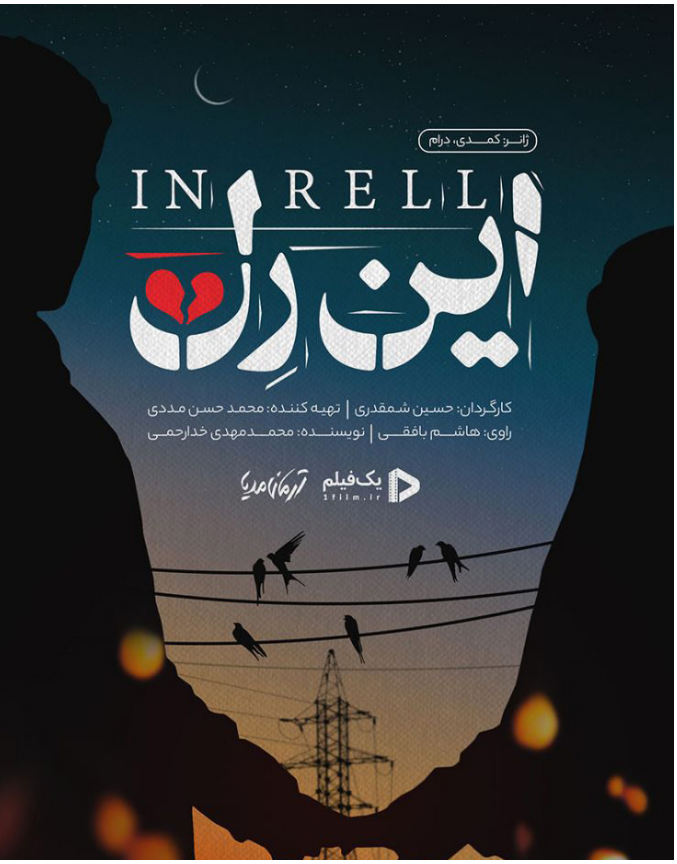

مذهبی باشد، نمایشی است که گویی از ذهن کارگردان تراوش کرده است! با این حال، حتی اگر امیرحسین در دنیای حقیقی نیز چنین شخصیتی داشته و هدف او از ارتباط گرفتن با جنس مخالف صرفا رفع نیاز جنسی باشد، به تصویر کشیدن داستان زندگی او با عنوان مستند، مسئله‌ای را به اکثریت پسران جامعه ایران خصوصا قشر مذهبی، تعمیم می‌دهد که در حقیقت آنطور نیست. همچنین، طی صحبت‌های اخیر کارگردان مستند، پژوهش گسترده و دقیقی هم در رابطه با این موضوع صورت نگرفته است.

مسئله دیگر آنکه نگاه به جایگاه زن در این مستند، یک دید کاملا جنسیت زده و تقلیل یافته است؛ نگاهی که امروزه حتی در جهان غرب هم فعالان حقوق زنان در تلاش‌اند که به مقابله با آن بپردازند. دوباره برگردید و جملات ابتدایی را بخوانید. اگر مستند را ندیده باشید، شاید باورتان هم نشود که مقصود از غذا، زن است و این جملات، نه از زبان افراد غیرمذهبی جامعه، بلکه توسط عوامل اصلی مستند به طور مداوم تکرار می‌شود. تشبیه زن به غذایی که باید مصرف شود، مبین تنزل جایگاه زن در اجتماع است که در جهت همان دیدگاه‌های سرمایه داری ایجاد شده است.

می‌توان گفت تمام آنچه که در مستند به دنبال آن بودند، پیدا کردن یک جنس مونث بود. البته به جای آنکه سعی کنند این ارتباط در مسیر خواستگاری و ازدواج قرار گیرد، از راه‌های دیگری اقدام به این کار می‌کردند. مراجعه به واسطه‌های عقد موقت صرفا جهت رفع نیاز جنسی، یکی از این کارهای غیرموثر و آسیب‌زا بود. در مسیری دیگر، با آموزش به اصطلاح «مخ زنی» و تغییر نوع رفتار امیرحسین برای جلب توجه دختران، او را به سمت رل زدن سوق می‌دادند. اقدامی که نه تنها تاثیری در رفع مشکل امیرحسین نداشت؛ بلکه آسیب‌های جدی‌تری را برای او ایجاد می‌کرد. آسیبی که پیش از این نیز به سبب دوستی با دختری به نام شقایق به وجود آمده بود و حالا با احساس نیاز جنسی می‌توانست پیامدهای مخرب‌تری داشته باشد.

در این مسیر، بدون آنکه برای امیرحسین به عنوان یک پسر مذهبی به دنبال فردی از جنس اعتقاد خودش باشند، با تغییر استایل و کوتاه کردن ریش، او را از قالب یک فرد مذهبی خارج کردند؛ با این استدلال که امیرحسین مذهبی، مورد پسند دختران امروزی نیست. حال آنکه کاملا در جهت غلطی از انتخاب فرد موردنظر قرار گرفتند که هم‌کفو بودن از نظر اعتقادی و ظاهری را کاملا نفی می‌کرد. در ادامه همانطور که انتظار می‌رفت، امیرحسین مورد پسند دخترانی که

اولا به گفته‌ی راوی، برای ازدواج باید مردانگی داشت و این شاخصه هم به میزان همت و تلاش پسر جهت مدیریت امور زندگی و آمادگی روانی برای پذیرش تعهد و مسئولیت برمی‌گردد.

اعتقـاد و سـبک زندگی‌شـان هیـچ سـنخیتی بـا او نداشـت، قـرار نگرفـت. در چنیـن شـرایطی، بـرای حـل مسـئله‌ی رل زدن امیرحسـین، بـه سـراغ بلاگـری از اینسـتاگرام رفتنـد؛ بـا ایـن اسـتدلال کـه جامعـه امـروز بیشـترین تاثیـر را از آنهـا می‌گیـرد.

حتـی اگـر ایـن موضـوع صحـت داشـته باشـد و خصوصـا قشـر جـوان جامعه، بلاگرهـای اینسـتاگرام را الگـوی خود قـرار داده باشـند، اسـتفاده از مشـاوره‌ی غیرمتخصصانـه‌ی چنیـن افـرادی در مسـتند، کامـلا مـورد نقـد اسـت و نـه تنهـا بـه ایـن الگوسـازی غلـط در جامعـه دامـن می‌زنـد، بلکـه بـا تزریـق حجـم عظیمـی از ناامیـدی و تخریـب اعتمـاد بـه نفـس امیرحسـین، زندگـی او را نیـز بـا چالش‌هـای جـدی مواجـه می‌کنـد.

در بخـش بعـدی، بـا ارجـاع دادن نقـش اول مسـتند بـه بهشـت زهـرا (بخوانیـد هـر مکانـی مذهبـی بـرای پیـدا کـردن همسـر یـا رل!) و پیشـنهاد خـارج از چارچـوب امیرحسـین بـه دختـران چـادری در کنـار مـزار شـهدا، عـلاوه بـر اینکـه بـرای مخاطـب، ذهنیتـی نامناسـب از حضـور مذهبی‌هـا در گلـزار شـهدا ایجـاد می‌کنـد و افـکار عمومـی را بـه سـمت منفعـت طلبـی ایـن قشـر از شـهدا سـوق می‌دهـد، روشـی کامـلا غیراصولـی بـرای طـرح بحـث خواسـتگاری را بـه تصویـر کشـید کـه کامـلا واضـح بـود نتیجـه‌ی آن، بـه مقصـود نرسـیدن اسـت و اگـر هـم نتیجـه بخـش باشـد، اتفاقـی جـز ازدواج رقـم خواهـد خـورد.

بـا ایـن حـال، آنچـه از پایـان مسـتند برداشـت شـد، نکتـه‌ی مهمـی بـود کـه شـاید تنهـا نقطـه قـوت مسـتند باشـد. اینکـه اولا بـه گفتـه‌ی راوی، بـرای ازدواج بایـد مردانگـی داشـت و ایـن شـاخصه هـم بـه میـزان همـت و تـلاش پسـر جهـت مدیریـت امـور زندگـی و آمادگـی روانـی بـرای پذیـرش تعهـد و مسـئولیت برمی‌گـردد. ثانیـا، سـختگیری‌ها و مانـع تراشـی خانواده‌هـا، تاثیـر بـه سـزایی بـر عقـب افتـادن ازدواج جوانـان می‌گـذارد کـه آسـیب‌های فـردی و اجتماعـی بسـیاری در پیـش خواهـد داشـت.

ثانیا، سختگیری‌ها و مانع تراشی خانواده‌ها، تاثیر به سزایی بر عقب افتادن ازدواج جوانان می‌گذارد که آسیب‌های فردی و اجتماعی بسیاری در پیش خواهد داشت.

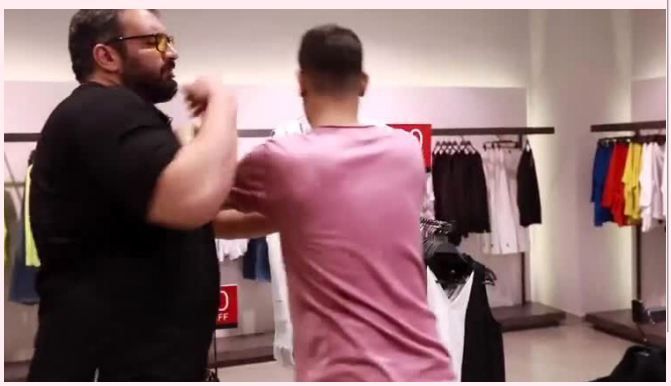

توئیت کده

twitter

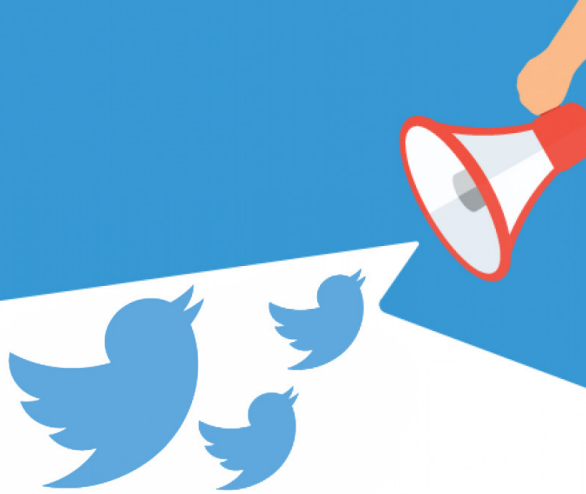

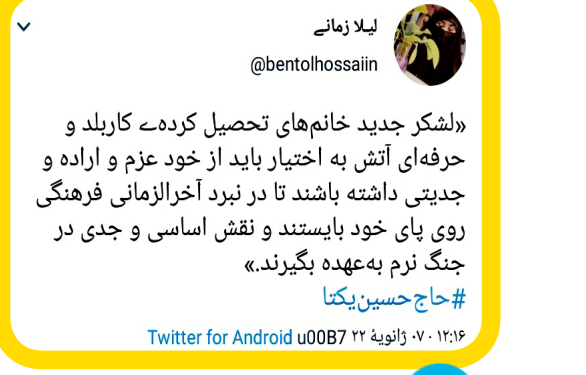

لیلا زمانی
@bentolhossaiin

«لشکر جدید خانم‌های تحصیل کرده‌ے کاربلد و حرفه‌ای آتش به اختیار باید از خود عزم و اراده و جدیتی داشته باشند تا در نبرد آخرالزمانی فرهنگی روی پای خود بایستند و نقش اساسی و جدی در جنگ نرم به‌عهده بگیرند.»
#حاج‌حسین‌یکتا

Twitter for Android u00B7 ۲۲ ژانویهٔ ۰۷۰ ۱۲:۱۶

ریحانه بهزادی
@ReyhanehBehzadi

فاطمه انوری به دلیل داشتن حجاب از تدریس در یکی از مدارس کانادا منع شد!

و بار دیگه ثابت شد شعار آزادی و هر کی هر جور میخواد باشه فقط ی گلوبالیسمه برای جدا کردن سرزمین ها از تمدن، تاریخ، فرهنگ و هویتشون

17:32 · 12/18/21 · Twitter for Android

مریم حاج محمدی
@maryam78528

ما همچنان منتظر برنامه جامع معاونت امور زنان ریاست جمهوری در حوزه زنان هستیم.

#دیدار_تشکل_های_دانشجویی

Translate Tweet

20:53 · 1/7/22 · Twitter for Android

6 Retweets 1 Quote Tweet 53 Likes

tina hajmohammadi @tinaH... · 1/11/22
Replying to @maryam78528
@EnsiyehKhazali

Razie @raziiiiiee · 1/7/22
Replying to @maryam78528
👌

مریم حاج محمدی @maryam78... · 1/7/22
🙏💛

yamahdy313
@_ya_mahdy_313_

1-یک سوال دارم🤔
قانون جوانی جمعیت رو تصویب کردین جسارتا بعدش چی؟

#خاک_خورده

Translate Tweet

13:27 · 1/7/22 · Twitter for Android

tina hajmohammadi
@tinaHmohammadi

آنچه امروز اهمیت دارد تاکید بر هویت‌یابی دختران جامعه ماست و این باید به عنوان پیام اصلی #سبک_زندگی_فاطمی باشد.

#گفتمان_هویت_ساز

Translate Tweet

21:22 · 1/31/22 · Twitter for iPhone

جامعه اسلامی دانشجویان

جهت ارائه هرگونه انتقاد و پیشنهاد،
همچنین اطلاع اخبار و برنامه
های واحد خواهران اتحادیه جامعه
اسلامی دانشجویان ما را در پیج های
اینستاگرامی زیر دنبال کنید

Nesaa.jad
Jadnews.ir

زن انسان ساز است، همانگونه که
انبیاء انسان ساز بودن و همانگونه
که قرآن انسان ساز است.
خمینی
روح الله